www.jgk.imamreza.ac.ir

پژوهشنامه خراسان بزرگ

دوره ١٤، شماره ٥٢، پاییز ١٤٠٢

ISC | MSRT | ICI

مقاله پژوهشی
شاپا چاپی: ۶۱۳۱-۲۲۵۱
شاپا الکترونیکی: ۱۶۷۱-۲۷۱۷

بازشناسی جاذبه‌های گردشگری میراث فرهنگیِ ملموسِ غیرمنقول در محدودهٔ خراسان بزرگ (مطالعه موردی: شهرستان کلات)

ملیحه صلاحی [الف]، براتعلی خاکپور *[ب]

الف) دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد (Ml.salahi1398@gmail.com)

ب) دانشیار، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰٦/۲۸
شماره صفحات: ۱۱۷-۹۵

واژگان کلیدی:
گردشگری میراث فرهنگی، ملموسِ غیرمنقول، شهرستان کلات

استناد به مقاله:
صلاحی، ملیحه؛ خاکپور، براتعلی. (١٤٠٢). «بازشناسی جاذبه‌های گردشگری میراث فرهنگیِ ملموسِ غیرمنقول در محدودهٔ خراسان بزرگ (مطالعه موردی: شهرستان کلات)». *پژوهشنامه خراسان بزرگ*. ١٤ (٥٢)، ١١٧-٩٥.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

چکیده

شهرستان کلات (واقع در منطقه هفت گردشگری کشور، استان خراسان رضوی) به دلیل وجود آثار و مجموعه‌های بی‌بدیل، ارزشمند و تکرار نشدنیِ تاریخی و فرهنگی در کنار جاذبه‌های طبیعیِ بکر و منحصربه‌فرد خود، همواره منطقه‌ای زیبا، جذاب و دیدنی برای طبیعت‌گردان و گردشگران بوده است. می‌توان ادعا نمود که عامل گردشگری میراثی در این منطقه ظرفیتی است محرک در توسعه که از طریق بالفعل نمودن آن، می‌توان شهرستان را در تمامی ابعاد متحول ساخت و بدان جانی دوباره بخشید، به‌گونه‌ای که گردشگری به اصلی‌ترین و پایدارترین منبع درآمدی و عامل اصلی در اشتغال‌زایی و توانمندسازی تمام افراد جامعه محلیِ این منطقه بدل گردد. در این راستا، پژوهش حاضر منطبق بر روش توصیفی-تحلیلی، به جمع‌آوری اطلاعات از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی پرداخته و شهرستان را از منظر جاذبه‌های گردشگری میراث فرهنگی، یعنی آثار تاریخیِ غیرمنقول شامل ابنیه، محوطه‌ها و تپه‌های تاریخیِ برجای‌مانده از عصر مفرغ تا دورهٔ قاجار در محدوده، موردمطالعه و بررسی قرار داده تا بتواند از این رهیافت موجبات اقداماتی در زمینه برنامه‌ریزی برای ثبت آثار در فهرست میراث محلی، ملی و جهانی، حفاظت (احیاء، مرمت، باززنده‌سازی و غیره) از هویت و اصالت آثار و نیز معرفی آن‌ها به علاقه‌مندان تاریخ و فرهنگ در سطوح ملی و بین‌المللی را فراهم نماید و بستری برای تحولات درخشان در این عرصه را تدارک بیند.

DOI: https://doi.org/10.22034/JGK.2023.354928.1070
URL: https://jgk.imamreza.ac.ir/article_182576.html

*نویسنده مسئول مکاتبات: (khakpoor@um.ac.ir)

مقدمه

امروزه از گردشگری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها در بازسازی و توسعهٔ جوامع انسانی یادشده که در خلال آن توجه بر مقولهٔ فرهنگ و اجتماع ضرورتی انکارناپذیر است (صاحبی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۴-۶۳)، چراکه تعاملات شکل‌گرفته میان دو جامعهٔ میزبان و گردشگر در محیط و بستر فضایی تاریخی و یا اکولوژیکی منطقه، تأثیراتی را بر پایداری این توسعه موجب می‌گردد. میان باستان‌شناسی و گردشگری نیز پیوندی دیرینه وجود دارد که در رویکردهای مدرن، گردشگری میراث فرهنگی خوانده می‌شود و معماری سنتی منحصربه‌فردترین مقصد آن محسوب می‌شود. در حال حاضر گردشگری میراث فرهنگی با اتکاء بر میراث طبیعی، ملموس و غیرملموس به ویژه عناصر کالبدیِ زنده و برجای‌مانده از گذشته، توانسته به یکی از بزرگ‌ترین، فراگیرترین و رو به رشدترین بخش‌های صنعت گردشگری بدل گردد و این‌چنین به نظر می‌رسد که رشد بسیار سریع‌تری از سایر اشکال گردشگری (خصوصاً در کشورهای درحال‌توسعه) دارد. بنابراین، به‌عنوان یک استراتژی توسعه و نیز ابزاری بالقوه و مهم برای تنوع‌بخشی به اقتصاد جامعه، در کنار بهره‌برداری بهینه از سایر صنایع تفریحی و فرهنگی توانسته حیات و سرزندگی را به ارمغان آورد و در جهت برون‌رفت کشور از انحطاط صنعتی و فقر گام بردارد (راستاد بروجنی و همکاران، ۱۳۹۶: 88؛ Lak and et al, 2019: 387).

سرزمین باستانیِ ایران توانایی بالقوه و منحصربه‌فردی در زمینه برخورداری از جاذبه‌های فرهنگی، تپه‌ها، محوطه‌های باستانی و ابنیه تاریخی دارد و در مقام مقایسه به‌عنوان کشوری متمدن و برخوردار از میراث ۵۰۰۰ ساله، با سایر کشورهای جهان غیرقابل قیاس است، به‌طوری‌که از طرف سازمان جهانی یونسکو، ایران از لحاظ جاذبه‌های تاریخی حائز رتبه ۱۰ و از نظر جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی، در بین پنج کشور برتر دنیا قرار دارد. با این تفاسیر، درآمد بخش گردشگری در ایران می‌بایست سالانه دو برابر درآمد نفتی آن باشد، اما مقایسه وضعیت ایران با سایر کشورهای پیشرو، نشان‌دهنده آن است که ایران حتی در میان ۸۰ کشور توریستی جهان جایگاهی ندارد (راستاد بروجنی و همکاران، 1396: 89-88؛ Unwto, 2017: 88-89). باوجود پذیرش نهادهای حکومتی بر اهمیت این گونهٔ گردشگری، می‌توان ادعا نمود که بهره‌برداری از منابع میراثی و تاریخیِ موجود در فرآیند توسعه کشور، مورد کم‌لطفی قرارگرفته و مجموعه‌های باستانی و آثار بی‌بدیل معماری آن به‌طور بایسته و شایسته موردمطالعه و بررسی قرار نگرفته و در پی آن معرفی آثار نیز دچار سرنوشتی غم‌انگیزتر شده است. هرچند افراد زیادی زندگی خود را وقف شناخت این عرصه نموده‌اند، اما متأسفانه نتایج تحقیقاتشان به‌صورت مدون در اختیار سایرین قرار نگرفته است (معماریان، ۱۳۹۲: ۵).

حوزهٔ مدیریت جهت معرفی، حفظ هویت، اصالت و احیاء میراث فرهنگی در استان خراسان رضوی و شهر تاریخی-مذهبی مشهد نیز عملکرد چندان مطلوبی نداشته است، چراکه همه‌ساله شاهد تخریب‌ها، تغییر کاربری‌های نامتناسب و اعمال دخل و تصرفات در حریم آثار و مجوعه‌های تاریخی به بهای درآمدزایی، توسعه شهری و معاصرسازی نظام شهرسازی بوده‌ایم و کمتر توجهی به آن‌ها به‌عنوان عوامل کلیدی در جذب گردشگر و توریسم شده است (توانگر و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۱-۸۲). همچنین شهرستان کلات، مشتمل بر بخش مرکزی (دهستان‌های کبودگنبد و هزار مسجد) و بخش زاوین (دهستان‌های پساکوه و زاوین) نیز از این امر مستثنا نیست؛ چراکه به‌رغم غنای فرهنگی-تاریخی و حضور پررنگ منطقهٔ کلات نادری در وقایع و رخدادهای سیاسی و نظامی ایران از گذشته‌های بسیار دور و به فراخور آن حضور آثار و نشانه‌های فراوان در جای‌جای آن، کمبود زمین‌های کشاورزی و ساخت‌وساز خانه‌های مسکونی و تأسیسات گوناگون موجب شده است که بسیاری از آن آثار و نشانه‌ها محو یا پنهان شوند (نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹)؛ از طرفی نیز متأسفانه تلاش چندانی در جهت حفظ هویت و اصالت و نیز معرفی آثار در سطوح ملی و بین‌المللی صورت نگرفته است. چنین امری موجب شده تا از طرفی زنگ خطر تخریب آثار مذکور به گوش برسد و از طرفی دیگر گردشگران از وجود چنین جاذبه‌هایی در منطقه اطلاع و استقبال چندانی نداشته باشند، به‌گونه‌ای که بنا بر یافته‌های تحقیق، گردشگری اکوتوریستی منطقه با سهم ۲۵/۷۶ درصدی نسبت به سهم ۲۱/۴۰ درصدی شاخهٔ

میراثیِ (آثار غیرمنقولِ تاریخی) گردشگری فرهنگی و سهم ۵۲/۸۴ درصدی سایر گونه‌ها، در جایگاه نخست استقبال کاربران (ساکنان و گردشگران) قرار گرفته است. از این‌رو، پژوهش حاضر به بازشناسی جاذبه‌های گردشگری میراثِ فرهنگیِ ملموسِ غیرمنقول اعم از ابنیه، محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی در سطح شهرستان (دو بخش مرکزی و زاوین) می‌پردازد تا ضمن معرفی آثار به علاقه‌مندان گردشگری تاریخی-فرهنگی، در راستای تجدید جریان حیات و نیز سلامت و پایداری این آثار و احیاء هویت تاریخی منطقه گام بردارد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در شاخه‌های مختلف گردشگری فرهنگی انجام شده‌اند، اما در زمینهٔ موضوعی این تحقیق، تاکنون پژوهش واحد و مستقلی صورت نگرفته است. در ادامه، نتایج تعدادی از نزدیک‌ترین پژوهش‌های متأخر در حوزهٔ مطالعاتی گردشگری میراث فرهنگی ارائه می‌گردد. اشورث و تونبریج، در کتابی تحت عنوان *احترام به شهر توریستی تاریخی و چشم‌انداز مدیریت شهر میراث*[1]، توسعه گردشگری در بخش تاریخی را عاملی مؤثر در حفاظت از میراث‌های ارزشمند، گسترش روابط بین‌المللی و ارتقاء سطح رفاه اجتماعی ساکنان دانسته و بیان می‌دارند: توسعه گردشگری فرهنگی و تاریخی عامل حفاظت از آثار فرهنگی و تاریخی، رونق مثبت اقتصادی گردشگری، تقویت و برجسته‌سازی مکان‌های تاریخی است. همچنین اروسیویک در مقاله‌ای تحت عنوان «هویت فرهنگی و توریسم فرهنگی بین جامعه محلی و جهان (نمونه موردی: پولا و کرواسی)[2]»، با هدف نشان دادن مدلی مطلوب برای توسعه جوامع محلی در این آشفته‌بازار جهانی‌شدن، با استفاده از ویژگی‌های مثبت مقاصد بی‌همتای هویت به تبیین تمایز آن‌ها پرداخته و توانایی حفاظت از هویت فرهنگی (ارزش‌ها، شیوه‌های زندگی و اقتصاد جوامع محلی) را مهم‌تر می‌داند. دومسیک نیز در مقالهٔ خود تحت عنوان «میراث فرهنگی و هویت در توسعه جهانی گردشگری[3]»، با تکیه‌بر تحلیل و ارزیابی محتوای پروژه‌های گردشگری فرهنگی در وب‌سایت جهانگردی کرواسی، به بررسی گردشگری خلاق به‌عنوان یک استراتژی جدید برای مقاصد فرهنگی پرداخت و بر اساس اصالت و حس مکان به پیوند میان میراث فرهنگی، هویت و جهانگردی و گردشگری خلاق پرداخت و توصیه‌هایی در جهت توسعهٔ این بخش ارائه نمود. از نظر او، میراث نقطه عطفی در استراتژی‌های گردشگری معاصر و توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. در کتابی تحت عنوان *توسعه پایدار و جهانگردی: فرصت‌ها و تهدیدهای میراث فرهنگی از گردشگری*، کوکوسیس بیان داشته که گردشگری پدیدهٔ اجتماعی-اقتصادی پیچیده‌ای است و به رفع نیازهای جامعه برای تفریح و اوقات فراغت می‌پردازد و فرصت‌هایی را برای آموزش و غنی‌سازی فرهنگی فراهم می‌نماید و بر تمام ابعاد جامعه اثر می‌گذارد. از نظر وی گردشگری بیش از هر فعالیت اقتصادی دیگری با میراث طبیعی و فرهنگی رابطه‌ای پیچیده دارد که به در دسترس بودن و کیفیت میراث و منابع مرتبط وابسته است و درعین‌حال توسعه کنترل نشدهٔ آن، عامل تخریب میراث فرهنگی و طبیعی است که درنهایت پتانسیل گردشگری پایدار را با روند فرسایشی مواجه می‌کند. همچنین سنگچامنانگ و کوزاک نیز در مقالهٔ خود تحت عنوان «گردشگری میراث فرهنگی پایدار در روستای بان وانگکا، تایلند[4]»، با روش کیفی و از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق با پنج گروه از ذی‌نفعان گردشگری به تجزیه و تحلیل پرداخته و این محدوده مطالعاتی را قوی‌ترین مقصد گردشگری جامعه مون تایلند عنوان نموده که از زمان ورود جهانگردی تغییرات زیادی را متحمل گشته و گردشگری پایدار میراث فرهنگی عنصر اصلی در توسعه این مقصد است.

موسوی‌پور نیز در پایان‌نامهٔ خود تحت عنوان «بررسی نقش جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی در جذب و توسعه گردشگری

1. The Tourist, Historic City Respect & Prospect of managing the heritage city
2. Cultural Identity and Cultural Tourism– Between the Local and The Global (A Case Study of Pula, Croatia)
3. Cultural Heritage and Identity in The Contemporary Tourism Development
4. Sustainable cultural heritage tourism at Ban Wangka Village, Thailand

شهرستان دره‌شهر»، با روش توصیفی-تحلیلی، به توزیع و تکمیل دو دسته پرسشنامه میان گردشگران و کارشناسان میراث پرداخته و داده‌های حاصله را با استفاده از نرم‌افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. نتایج تحقیقات او بیانگر آن است که با تبلیغات صحیح در جهت معرفی جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی شهرستان دره‌شهر به گردشگران و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در منطقه، می‌توان گردشگران بیشتری را جذب منطقه نمود که باعث اشتغال‌زایی در این زمینه و نهایتاً توسعه گردشگری شهرستان می‌شود. در پایان‌نامه‌ای دیگر تحت عنوان «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های گردشگری تاریخی کرمانشاه و تأثیر آن بر توسعه گردشگری شهر کرمانشاه»، حسن‌پور (۱۳۹۴) با روش توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی، با توزیع پرسشنامه و ورود داده‌های حاصله در نرم‌افزار Spss در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل پرداخت و برای شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدید منطقه، از ماتریس SWOT استفاده نمود؛ نتایج تحقیق بیانگر وجود ارتباط میان جاذبه‌ها و آثار تاریخی کرمانشاه و ایجاد اشتغال و درآمد در بخش گردشگری، تخریب آثار تاریخی و زیست‌محیطی و عدم مرمت آن‌ها، توسعه زیرساخت‌ها و امکانات روبنایی و زیربنایی، تبلیغات رسانه‌ای و معرفی آثار تاریخی و توسعه گردشگری شهر کرمانشاه است.

در زمینه موضعی شهرستان کلات نیز تحقیقاتی بدین شرح انجام شده‌اند: قنبرزاده و همکاران، در مقاله‌ای تحت عنوان «قابلیت‌های میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان کلات، دروازه مشترک همگرایی ایران و آسیای مرکزی»، از کلات به‌عنوان شهری با جاذبه‌های طبیعی و برخوردار از تنوع فرهنگی و تاریخی یاد کرده‌اند؛ در این تحقیق تلاش شده تا با استفاده از داده‌های زمین‌آماری و پتانسیل‌های گردشگری و اکولوژیکی مشترک بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی استفاده گردد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که شهر کلات نادر بیشترین قابلیت را در این ساختار فراتعاملی ایفا می‌نماید و ارتباط گردشگری بین مردم ایران و کشورهای گستره توران، علاوه بر باززنده‌سازی مثبت تعاملات تاریخی سبب غنای سیاسی پایدارتر در مرزهای شمال شرق کشور می‌گردد. خواجه و بهزاد (۱۳۹۸) نیز در مقالۀ خود تحت عنوان «بررسی تأثیر توسعه گردشگری فرهنگی با تأکید بر ظرفیت‌های تاریخی (مطالعه موردی: جاذبه‌های کلات نادری)»، شهر کلات نادر را به‌عنوان یکی از مناطق مستعد کشور در جهت توسعه پایدار گردشگری معرفی نموده و عنوان کرده‌اند که این منطقه بکر به سبب فراوانی و تعدد آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی، ثروتی است بالقوه که با برنامه‌ریزی و مدیریت منسجم می‌تواند در جهت اشتغال‌زایی، محرومیت‌زدایی و تولید ثروت نقش مؤثری ایفا نماید.

پژوهش‌های مذکور با اهداف گوناگونی انجام شده‌اند، خصوصاً دو مقاله قنبرزاده و همکاران و نیز خواجه و بهزاد که در ارتباط با بستر جغرافیایی شهرستان (موضعی) و در زمینه گردشگری فرهنگی (موضوعی) انجام‌شده، به‌طور عمده گردشگری فرهنگی (شاخۀ معماری و ابنیه تاریخی و نیز شاخه آداب و رسوم و صنایع‌دستی) را به‌صورت توأمان موردمطالعه قرار داده‌اند. بنابراین، هدف اصلی و تمام مقاصد موردنظر در این تحقیق که تمرکز بر روی جاذبه‌های تاریخی غیرمنقول در بخش مرکزی مشتمل بر دهستان‌های کبودگنبد و هزار مسجد و بخش زاوین مشتمل بر دهستان‌های پساکوه و زاوین است را پوشش نداده‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر با توجه به‌غفلت و فراموشی برخی عناصر و مجموعه‌های تاریخی و فرهنگی (خصوصاً آثار تاریخی غیرمنقول خارج از محدوده شهری کلات نادر) و لزوم احیاء میراث فرهنگی و رونق این گونۀ گردشگری در شهرستان، به شناسایی و معرفی جامع‌تری نسبت به این آثار می‌پردازد.

روش پژوهش

وجود بافت‌های غنیِ فرهنگی و تاریخی به‌عنوان نمودی از هویت، تمدن و میراث ملی، عاملی است مثبت و سازنده در رونق و شکوفایی مناطق، چراکه با جذب گردشگران، تمامی عرصه‌های توسعه را تحت‌الشعاع قرار داده و پایداری را در منطقه به ارمغان می‌آورد. بنابراین، پژوهش حاضر که به‌طور عمده در چهارچوب مطالعات باستان‌شناسی قرارگرفته است، منطبق بر روش توصیفی-تحلیلی به شناسایی، بررسی و معرفی ابنیه، محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی (آثار تاریخی غیرمنقول) به‌عنوان جاذبه‌های گردشگری میراث فرهنگیِ شهرستان کلات می‌پردازد و اطلاعات موردنیاز را به

دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری می‌نماید، بدین طریق که از روش کتابخانه‌ای در شناخت ادبیات و مباحث نظری، سوابق و پیشینه پژوهش و همچنین شناخت اسنادی آثار و در روش میدانی نیز از مشاهده، تصویربرداری و انجام مصاحبه با تعدادی از کارشناسان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی منطقه، بهره برده است.

گردشگری میراثِ فرهنگیِ ملموسِ غیرمنقول

بر اساس نظریهٔ سازمان جهانی جهانگردی، گردشگری عبارت است از کلیه فعالیت‌های افراد که به‌منظور انجام کار، گذراندن ایام فراغت یا سایر اهداف در مکان‌هایی خارج از محیط عادی زندگی انجام می‌گردد و افراد ممکن است برای مدت کمتر از یک سال در آنجا اقامت گزینند (تقوایی و رنجبر دستنایی، ۱۳۸۹: ۲۱). انواع گونه‌های گردشگری عبارت‌اند از: درمانی-پزشکی، تفریحی، اکوتوریسم و طبیعت‌گردی (شامل شاخه‌های دریایی و لبه‌های ساحلی همچون رود دره‌ها و ورزشی)، بازرگانی و تجاری (کاری)، شهری، روستایی، ماجراجویانه و درنهایت گونهٔ گردشگری فرهنگی (نگارندگان به اقتباس از منابع مختلف) تحت مفهوم «جابجایی مردم از مکان زندگیِ‌شان به مقاصد دیگر برای مکاشفه، جمع‌آوری اطلاعات و کسب آگاهی دربارهٔ فرهنگ حال و گذشته و لذت بردن از تجارب کیفی ناشی از تعامل با محیط فرهنگی و اصیل مورد بازدید» (کلاب، ۱۳۹۰: ۱۶۴؛ رنجبریان و زاهدی، ۱۳۸۶: ۶۳) که امکان ایجاد شکل‌گیری رفتار اجتماعی و تعامل هرچه بیشتر فرهنگ‌های مختلف را سبب می‌گردد. در منشور گردشگریِ فرهنگی، فرهنگ محرکی است در توسعهٔ گردشگری که با اهداف اساسی بدین شرح صورت می‌گیرد: تشویق و تسهیل کار متصدیان حفظ و مدیریت میراث، تسهیل و تشویق گفتگو میان طرفداران محیط‌زیست و متولیان گردشگری، تشویق تدوین‌کنندگان طرح‌ها و سیاست‌های توسعه گردشگری فرهنگی (بونی فیس، ۱۳۸۰: ۱۴۳). به‌طور کل و بنا بر منابع مختلف، گردشگری فرهنگی بر اساس هدف به ٦ دسته، مطابق جدول شماره ۱، تقسیم‌بندی می‌شود.

جدول شماره ۱: دسته‌بندی گردشگری فرهنگی بر اساس هدف و مشخصه‌های گردشگری میراث فرهنگی (مأخذ: نگارندگان به اقتباس از: حسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۵۲ ؛ خوش‌بین، ۱۳۹٦: ۳۲-۳۸؛ Csapo, 2012: 210)

شاخه فرهنگی	هدف سفر
میراثی	بازدید از میراث طبیعی
	بازدید از میراث ملموس قابل جابجایی
	بازدید از میراث فرهنگی، میراث ملموس غیرقابل جابجایی (غیرمنقول)، بازدید از محوطه‌ها و سایت‌های میراث فرهنگی
	بازدید از میراث ملموس زیر آب
	آشنایی با میراث غیرملموس
جریان‌های موضوعی	آشنایی با آشپزی و غذاها و نوشیدنی‌های سنتی و محلی
	بازدید از فستیوال‌ها و یا شرکت در جشنواره‌ها و مسابقات فرهنگی- هنری
	بازدید از صنایع و بازرگانی بومی
سنتی-قومی	رفتن به اجتماع‌های محلی و بازدید از سنت‌های فرهنگی محلی
	سفر به‌منظور زبان‌شناسی و یادگیری گویش بومی
رویداد و فستیوال	رفتن به محل برپایی نمایش‌های هنری و رویدادهای هنرهای زیبا
مذهبی-زیارتی	رفتن به مجموعه‌ها و اماکن مذهبی (معماری و منظر فرهنگی)
خلاق	بازدید از هنرهای نمایشی و سمعی-بصری
	بازدید از هنرهای صنایع‌دستی

مقصد فعالیت‌های (منابع) گردشگری میراث فرهنگی (غیرمنقول):

پایتخت‌های فرهنگی/ شهرهای تاریخی دست‌نخورده/ سایت‌های باستان‌شناسی/ محوطه‌های معماری: کاخ‌ها، برج‌ها و قلعه‌ها، کتیبه‌ها، سدها و بندها، قصبه‌ها، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، تئاترها، مجموعه‌های تاریخی، دهکده‌های تاریخی، باغ‌های تاریخی، بناهای یادبود/ نقاشی و حکاکی روی صخره‌ها و غارها/ مکان رویدادها و یادمان‌های ملی تاریخی/ یادبودهای مرتبط با شخصیت‌های مهم تاریخی

مقیاس منابع گردشگری میراث فرهنگی (غیرمنقول):

میراث محلی/ میراث ملی/ میراث جهانی یونسکو

بنا بر ماهیت پژوهش حاضر که مبتنی بر معرفی میراث فرهنگی-میراث ملموس غیرقابل جابجایی (غیرمنقول) از میان شاخهٔ میراثی گردشگری فرهنگی است، در ادامه به معرفی و شناخت بیشتر این موضوع می‌پردازیم. میراث فرهنگی به‌عنوان نماد هر کشوری معرف تمدن، تاریخ و پیشینهٔ آن است و به معنای دارایی‌های طبیعی، عناصر فیزیکی و هنریِ ملموس و غیرملموس موروثی از نسل‌های گذشته است که در معاصر موجودیت دارند و برای اهداف مختلف فعلی مورد استفاده قرار می‌گیرند و نیز برای سپردن و تحویل به آیندگان، به بهترین نحو ممکن نگهداری و حفاظت (احیاء، مرمت و غیره) می‌شوند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۵۲؛ Lak and et al, 2019: 388). در این میان، نمود کالبدیِ فرهنگ پیشینیان در قالب ابنیه و بافت‌های تاریخی و مکان‌های میراثی درون و یا در بافت‌های پیرامونی شهرها و روستاها یکی از برجسته‌ترین و گران‌بهاترین آثار فرهنگیِ گواه بر تمدن‌های باشکوه و افتخارآمیز سرزمین‌ها و انگیزه‌ای اساسی در حوزه گردشگری به شمار می‌آیند، چراکه دارای ارزش‌های معنوی بسیار زیاد برای قوم ساکن و جاذبه‌ای برای گردشگران است تا لذت کاوش در بستری تاریخی را برای آنان مهیا نماید. بنابراین، نقشی اساسی در رونق و توسعهٔ این صنعت و نیز توسعهٔ پایدار مناطق روستایی و شهری تاریخی و در مقیاس گسترده‌تر در کشور ایران ایفاء می‌نماید. گردشگری میراث فرهنگی به‌عنوان شاخه‌ای از گردشگری فرهنگی و نیز یک استراتژی توسعه با ساختار نوینی که دارد، عاملی است برای هماهنگی، انسجام و وحدت‌بخشی میان ساختار کالبدیِ قدیم و جدید و عبارت است از «سفری با آگاهی و اطلاعات قبلی در مورد جاذبه‌های تاریخی یا فعالیتی ماحصل تعامل بین گردشگر، عرضه‌کننده و مکان میراث که با انگیزهٔ کشف و شناسایی میراث‌های تاریخی و شیوهٔ زندگی پیشینیان و به‌منظور معرفت‌شناسی بیشتر صورت می‌گیرد و کم‌ترین ضایعات زیست‌محیطی و آسیب‌های اجتماعی را برای جامعهٔ میزبان متحمل می‌گردد» (Lak and et al, 2019: 387-388).

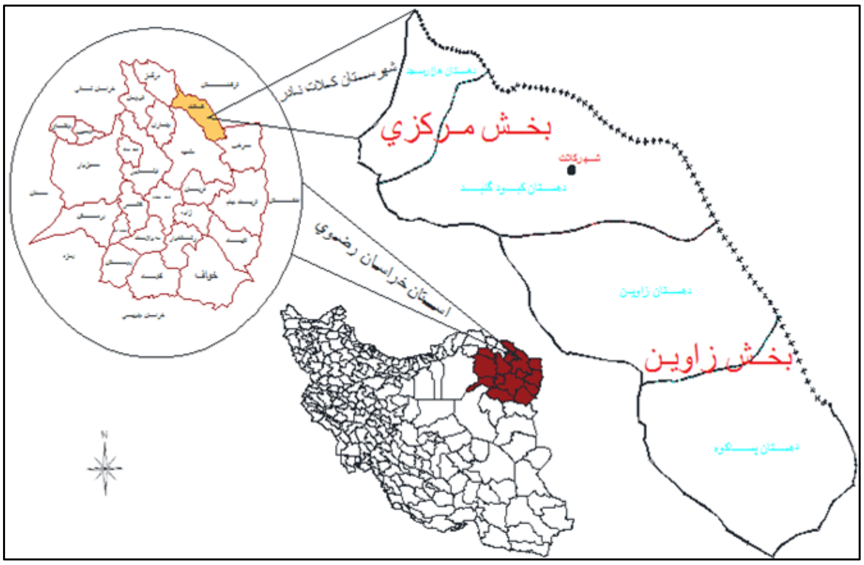
بنابراین توسعهٔ این گونهٔ گردشگری از نظر منافعی که برای جوامع به دنبال دارد، ضرورت و اهمیت می‌یابد که ازجمله دستاوردهای آن عبارت‌اند از: ۱. در بعد هویتی-تاریخی: حفاظت از آثار و بافت‌های ارزشمند تاریخی و ارتقاء هویت متمایز مناطق تاریخی. ۲. در بعد فرهنگی-اجتماعی: اتکاء بر مواریث فرهنگی کشور و افزایش خودباوری، افزایش حس تعلق محلی در اجتماع، حضورپذیری و افزایش تعاملات اجتماعی-فرهنگی، ارتقاء سرزندگی در بافت‌های تاریخی. ۳. در بعد کالبدی-عملکردی: تثبیت و ارتقاء سیما و منظر تاریخی؛ افزایش میزان بهره‌برداری مفید از فضاهای بلااستفادهٔ تاریخی از طریق تزریق کاربری متناسب با هویت و ماهیت آن؛ توسعه و بهبود زیرساخت‌های کهن و عمران شهری در راستای ارائه خدمات به کاربران بافت‌های تاریخی ازجمله توسعهٔ نظام دسترسی و ارتباطات، برق، مخابرات و غیره. ۴. در بعد اقتصادی: نو شدن و متنوع‌سازی جریان‌های اقتصادی، اشتغال‌زایی و افزایش درآمد، توسعه صنایعی چون: کشاورزی، دامپروری و غیره (به دلیل افزایش تقاضا و مصرف). ۵. در بعد سیاسی: حفظ ارزش‌های ملی ایرانی اسلامی، افزایش نرخ تقاضای سفر خارجی، تحکیم و ارتقاء روابط بین‌شهری، استانی، کشوری و حتی برون‌مرزی و بین‌المللی. ٦. در بعد زیست‌محیطی: استفاده منطقی از منابع و ارتقاء بهداشت محیطی در پی توازن گردشگری اکوتوریستی با سایر گونه‌ها.

: استفاده منطقی از منابع و ارتقاء بهداشت محیطی در پی توازن گردشگری اکوتوریستی با سایر گونه‌ها.

معرفی محدودهٔ موردمطالعه

کلات در لغت به معنی قلعه، آبادی و زیستگاهی بزرگ بر سر کوه یا پشته‌ای بلند است (دهخدا، ذیل «ک») (نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳) که به سبب جغرافیای خاص منطقه و قرارگیری در فلاتی پر عارضه و ناهموار و در محاصرهٔ کوه‌های بلند و غیرقابل نفوذ، این نام را به خود نسبت داده است. شهرستان کلات با مساحتی بالغ‌بر ۲۵۰۲ کیلومترمربع، در استان خراسان رضوی قرارگرفته است که از شمال با کشور ترکمنستان، از جنوب با کوه‌های هزارمسجد، مشهد و چناران، از شرق با شهرستان سرخس و از غرب نیز با شهرستان درگز هم‌جوار است (اداره آمار و اطلاعات کشاورزی، ۱۴۰۰: ۳) (تصویر ۱). برای نخستین‌بار نام کلات در شاهنامهٔ فردوسی در داستان‌های حماسی فرود پسر سیاوش آمده است. این منطقه در دوران اسلامی تا قاجار

همچنان جایگاه خود را به‌عنوان دژی امن برای تحصن مخالفان سیاسی و نظامیِ مدعیان قدرت در خراسان حفظ نموده و پس از حضور افشاریان و سایه افکندن چهرهٔ حماسی نادر بر این منطقه برای سکونت و پنهان کردن ذخایر ارزشمند وی، بیش از هر دوره‌ای خصوصاً از منظر سیاسی-نظامی اعتبار یافت و از قلعهٔ مستحکم و غیرقابل نفوذ به منطقه‌ای مهم و پرآوازه در تاریخ‌نگاری ایرانیان مبدل گشت و نام کلات نادری به‌مراتب بیش از سایر اسامی برای آن استفاده شد که در اسناد و مدارک و کتب تاریخی این دوره مشهود است (بامداد، ۱۳۴۴: ۱-۷). مطابق با آخرین تقسیمات سیاسی-اداری کشور، کلات نادر تا ۱۳۸۲ش بخشی از شهرستان مشهد بوده که در این سال از مشهد جدا شده و در حال حاضر دارای دو بخش مرکزی (به مرکزیت شهر کلات نادر (مرکز شهرستان) شامل دهستان‌های کبودگنبد و هزارمسجد) و زاوین (به مرکزیت شهر زو سفلی شامل دهستان‌های زاوین و پساکوه) است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵؛ اداره آمار و اطلاعات کشاورزی، ۱۴۰۰: ۳-۲) (تصویر ۱).



تصویر ۱: جایگاه شهرستان کلات در تقسیمات سیاسی کشور (مأخذ: نگارندگان)

در سطح شهرستان آثار تاریخی غیرمنقول (ابنیه، تپه‌ها و محوطه‌های تاریخی) متعددی وجود دارد که در ادامه به معرفی و تشریح تعدادی از برجسته‌ترین آن‌ها در سطح دهستان‌های بخش‌های مرکزی و زاوین می‌پردازیم.

آثار تاریخی غیرمنقول در دهستان کبودگنبد بخش مرکزی

در سطح دهستان کبودگنبد که در بخش مرکزی شهرستان قرار گرفته است، مهم‌ترین آثار غیرمنقول تاریخی به شرح زیر می‌باشد.

مجموعه آثار تاریخی حصار طبیعی کلات (دژ خدای‌آفرین)

بارو و حصار شگرف سنگی طبیعی و خدای‌آفرین (امروزه نمادی است از تاریخ شهرستان) دژی است مستحکم و تسخیرناپذیر به طول تقریبی ۳۶ کیلومتر و عرض حدود ۱۲ کیلومتر که در امتداد سلسله جبال هزارمسجد، در میان دو رشته‌کوه بلند از خاور به باختر با فرمی بیضی‌وار تشکیل‌شده و شهر کلات نادر (مرکز شهرستان) و تعدادی روستا را دربَر می‌گیرد. این دژ در تمام دوره‌ها مورد اقبال فرمانروایان و جنگ‌آوران بوده، اما بنا به گفته میرزا مهدی‌خان استرآبادی (مؤلف کتاب *جهان‌گشای نادری*) در دوره افشاریه به اوج شکوفایی خود رسیده است، چراکه با درایت شخصیت نادر و اجرای تمهیداتی در این خصوص، نفوذ برای هر متجاوزی به داخل حصار را محال می‌نمود. دَرهَم‌آمیزی طبیعت (باروی طبیعی) با معماری (برج‌های نگهبانی ساخته‌شده در دروازه‌های نفطه و دربند) در این حصار بیضی‌مانند و مرتفع، سیمای بصری عالی و چشم‌نوازی را هم در اسطوره و تاریخ و هم در اذهان عمومی ایجاد کرده است (قدوسی، ۱۳۳۹: ٦۲۳؛ امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۱۹؛ حیدری‌بنی، ۱۳۸۸: ۳۹). در داخل این حصار آثار تاریخی به شرح زیر وجود دارد.

برج‌های دیده‌بانی: در دوره نادرشاه، در فواصل مختلف دیواره بیرونی حصار طبیعی مذکور، برج‌های دیده‌بانی و

قراول‌خانه‌هایی برای کنترل اطراف حصار ساخته شد و راه‌های فرعی و تمام رخنه‌های موجود در کوه‌های حصار مسدود گردید (حمل آب، ساروج و مصالح توسط بزها به بالای کوه به سبب عدم توانایی چهارپایان در این خصوص صورت می‌گرفت) تا در صورت نزدیک شدن لشکر با نواختن نقاره موضوع را به دژنشینان اطلاع دهند و خود از نفوذ متجاوزان به بالای حصار جلوگیری نمایند (امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۱۹، به نقل از قدوسی، ۱۳۳۹). تعدادی از برج‌های دیده‌بانی در شهر کلات نادر که متعلق به دوره افشاریه می‌باشند، با مالکیت دولتی میراث فرهنگی در تاریخ ۱۳۴٦/۰۱/۲۳ در فهرست آثار ملی با شماره ٦٦۲ به ثبت رسیده‌اند (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری). هم‌اکنون نیز در جای‌جایِ بیرونی دیواره حصار، برخی برج‌ها همچنان مستحکم و پابرجا وجود دارند.

دربندها و دروازه‌های حصار کلات: مفهوم از واژهٔ دربند «معبری است که از دو طرف با کوه‌های مرتفع محاط گردد». قلعه و حصار کلات به‌طور کل دارای پنج دربند راه عبور و دروازه اصلی و فرعی است. دروازه‌های اصلی آن عبارت‌اند از: دو دربند مهم در خاور شمال تحت عناوین دربند ارغون‌شاه (مدخل مسافرین درگز و مشهد) و دربند نفطه (راه ایران به‌طرف ترکمنستان، وجود چشمه‌ای تحت همین نام در منطقه که روی آن چربی شبیبه نفت دیده می‌شود) (قدوسی، ۱۳۳۹: ۳۵) (تصویر ۲).



تصویر ۲: دربندها و دروازه‌های اصلی حصار طبیعی کلات (مأخذ: مک‌گرِگُر، ۱۳٦۸: ٦۵؛ نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۱)

دروازه‌های فرعی حصار طبیعی کلات نیز عبارت‌اند از: سه گذرگاه چوب‌بَست و کُشتَنی (مراکز تجارت خراسان) و دِهچه (قدوسی، ۱۳۳۹: ۳۵). لازم به ذکر است که در اطراف تمامی دربندها و دروازه‌ها، تأسیسات دفاعی و نظامی همچون دیوارهای دفاعی، برج‌های دیده‌بانی، توپخانه و سربازخانه احداث گردیده بود (امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

الف. دربند/ دروازه اصلی ارغون‌شاه (ارغوان‌شاه): در گذشته ورود به کلات از کنار رودخانه‌ای بوده که از تنگه‌ای به نام «دربند کلات» می‌گذشته، این تنگه که به «دروازه ارغون‌شاه» مشهور است، ورودی اصلی دژ طبیعی کلات (واقع در جنوب غربی حصار کلات) محسوب می‌گشت که با طولی معادل ۴۵۰ متر و عرضی برابر با ۱۴ متر (در تنگ‌ترین نقطه آن)، مدخل ورودی مسافران به شهر از سمت غرب حصار بوده است. بنابراین، به سبب جایگاه مهمی که این دربند در قرن هفتم هجری و دورهٔ ایلخانان مغول برای منطقه داشته، به تأسیسات و استحکامات دیده‌بانی و دفاعی نظیر برج‌های دیده‌بانی و سربازخانه‌ها (پیش‌قراول‌ها) تجهیز گشت که بعدها در دوره نادر مرمت گردیدند. تعدادی از کتب بر آن اشاره دارند که در میانهٔ دروازه، عارضه آجریِ پُل‌مانندی به طول ۱۴ متر با سه دهانه وجود داشته که در طرفین آن برج‌های دیده‌بانی مستقر بودند و عبور و مرور از این دهانه توسط نگهبانان بر فراز پل و برج‌ها کنترل می‌شده است (بهبودی، ۱۳۹۱: ۷-۹؛ حیدری‌بنی، ۱۳۸۸: ۴۲؛ قدوسی، ۱۳۳۹: ٦۳۲). سیاح غربی کلنل سی.ام. مک‌گرِگُر، در بازدید خود از دربند ارغون‌شاه (حدوداً در اواخر قرن ۱۹م) تصویری از مکان مذکور را در کتاب شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در ۱۸۷۵ ارائه نموده که پل، سه دهانهٔ آن و نیز دو برج دیده‌بانی و دفاعی طرفین آن قابل‌ملاحظه است (تصویر ۲، سمت راست). در حال

حاضر، دروازۀ ارغون‌شاه کاربری خاصی ندارد، چراکه در دهه‌های اخیر گذرگاهی به شکل تونل در دل کوهی در مجاورت و هم‌راستا با دروازه احداث گردیده و متأسفانه در اثر سیل‌های عظیم رودخانه ژَرف‌رود که از این تنگه می‌گذرد، اثری از پل باقی نمانده و از بقایای این دروازه تنها کتیبه نادری و برج ارغون‌شاه مشاهده می‌شود که در ادامه به تشریح آن‌ها می‌پردازیم (تصویر ۳).



تصویر ۳: موقعیت کتیبه نادری و برج ارغون‌شاه نسبت به یکدیگر در دربند ارغون‌شاه (مأخذ: نگارندگان)

برج ارغون‌شاه: یکی از برج‌های دفاعی و دیده‌بانی مستقر در محل دربند ارغون‌شاه، برجی است تحت همین نام برج ارغون‌شاه. این برج محل سکونت و دیده‌بانی قلعه‌بیگی بوده است (قلعه‌بیگی تنها مأموریت حفاظت از قلعه کلات را داشته و اجازه ورود و خروج را به عابران می‌داده است). از این‌رو، برج مذکور مهم‌ترین برج دربند شناخته می‌شده است. برج در حدود ۲۰۰ متری کتیبۀ نادری و ارتفاع ۴۰ متری از کف رودخانه ژَرف‌رود بر فراز کوه بناشده که با ارتفاع ۸ الی ۹ متری خود برج نیز می‌توان بر تمام دره‌ای که به دروازه غربی کلات منتهی می‌شود، اشرافیت کامل داشت. ساختار کلی برج، ساختمانی است استوانه‌ای‌شکل با تزئینات آجری دندانه‌دار مخروطی ناقص که به برج‌های ارگ کریم‌خانی در شیراز شباهت دارد. تعمیرات این بنا به دلیل اهمیت بالای این نقطه برای دیده‌بانی، بازمی‌گردد به دورۀ نادر و حکومت قاجار (خسروی، ۱۳۶۷: ۵۸-۵۹؛ بهبودی، ۱۳۹۱: ۹) (تصویر ۳).

کتیبه نادری: هنر صخره‌ای بزرگ‌ترین پیکرۀ شواهدی است که ما در ریشه‌های هنری، شناختی و فرهنگی انسان‌ها در دست داریم (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷). در این میان کتیبه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اجزاء ثبت تاریخ نقش مهمی را در آشکار کردن هویت اثر، سازنده، خطاط، بانی، حامی، واقف و تاریخ ساخت اثر ایفا می‌کنند. علاوه بر این، اطلاعات ارزشمندی از اوضاع مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در خود دارند (طاهری و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵). از نمودهای چنین هنری می‌توان به «کتیبه نادری» اشاره نمود که در مدخل غربی دژ طبیعی کلات، بر دیوارۀ وجه شمالی درۀ دربند ارغون‌شاه و در سمت راست دروازۀ ارغون‌شاه بر بستری از سنگ‌های آهکی به عرض ۳۸۲ سانتی‌متر و طول ۴۹۸ سانتی‌متر حجاری شده است. این کتیبه‌ی ناتمام، به دستور نادرشاه با خط نستعلیق خوش در ۲۴ بیت شعر به زبان ترکی-فارسی (بیشتر ترکی (۴ بیت فارسی و مابقی ترکی- در مدح و ستایش نادرشاه)، سرودۀ شاعری به نام یا به تخلص گلبن افشار) در مقیاس تقریباً ۱۰۰ در ۲۵۰ سانتی‌متر در ارتفاعی حدود ۱۵ متر بالاتر از سطح زمین به‌صورت برجسته با حاشیه و قابی مزین به نقوش اسلیمی حجاری شده که این نقوش، تلفیقی از نقوش ایرانی و هندی است که نمونۀ مشابه آن در بنای عمارت خورشید وجود دارد (بهبودی، ۱۳۹۱: ۹-۱۲؛ قدوسی، ۱۳۳۹: ۶۴۰؛ بامداد، ۱۳۴۴: ۸-۷) هدف نادر از ساخت این اثر آن بوده تا همچون «منشور دولت» نادر، برای همیشه در معرض دید رهگذران افتد و نامش را برای همیشه جاودان سازد، اما

متأسفانه هنوز به ارزش واقعی و فایده تاریخی این اثر جاودانه، توجه چندانی نشده است، بلکه برخی آن را اساساً فاقد ارزش دانسته‌اند (وثوقی مطلق، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۱) (تصویر ۳).

ب. دربند/ دروازه اصلی نفته: یکی از راه‌های ارتباطی میان ایران و جنوب ترکمنستان و دومین دروازه ورودی اصلی به حصار کلات است که بر بستر زُرف‌رود در سمت شمال شرقی دژ قرار دارد. این دروازه مهم‌ترین راهی بوده که صحرای قره‌قوم و دشت اتک را به کلات مرتبط می‌ساخته است. از این‌رو، یکی از عمده‌ترین مسیرهای ورود مهاجمان به منطقه بوده و گویند تیمور جهانگشا ۱۷ بار از این دروازه به کلات حمله کرده و هر بار شکست خورده است. این دربند به‌واسطه پل چهار دهانهٔ آجری متشکل از قوس‌های پنج‌اُهفت صفوی در طاق‌ها، عرض معبری را مسدود می‌ساخته تا عبور و مرور را کنترل و از منطقه محافظت نماید، بنابراین همچون دربند ارغون‌شاه دارای تأسیسات دفاعی منفصل و منحصربه‌فردی اعم از قلاع و برج‌های استوانه‌ای‌شکل با تیرکش (مزغل) با ارتفاعی معادل شش ذرع و نیم (کمی بیش از ٥/٦ متر) و روزنه‌هایی برای دیده‌بانی و نیز سنگر دفاعی مستحکمی در سه‌طبقه در دو طرف دیواره (با طولی معادل ۵۰ قدم (حدود ۴۰ متر) و قطری حدود هشت قدم (حدود ۷ متر)) بوده و ازآنجاکه دروازه در دوران طولانی از تاریخ، امکان تردد اقوام متمدن ایران و آسیای مرکزی و نیز اقوام مهاجم آسیای مرکزی به قلمرو ایران را امکان‌پذیر می‌نمود. بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که برخی تأسیسات آن در گذشته‌های دور و پیش از افشاریه احداث شده باشند که بعدها در دوره نادر مجدداً مورد استفاده قرارگرفته و مرمت شده‌اند (قدوسی، ۱۳۳۹؛ نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰). تصویر ۲ سمت چپ، در ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۰م توسط عبدالله قاجار، عکاس مخصوص ناصرالدین‌شاه قاجار، گرفته‌شده و مهم‌ترین سندی است که دیوار دربند نفته را توصیف می‌کند (نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۱). این دربند با مالکیتی دولتی در تاریخ ۱۳٤٦/۰۱/۲۳ با شماره ٦٦٤ به ثبت ملی رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری). امروزه شواهدی از برج‌های ناظر بر معبر نفته و قلعه مشرف بر آن مشهود و آثار کمی از جرز طاق‌های این دیوار به‌صورت توده‌هایی از آجر و ساروج در کف بستر رودخانه باقی‌مانده است. در این دربند نیز آثار تاریخی ارزشمندی به شرح زیر وجود دارد:

تپه و بقایای معماری قصر دختر: یکی از تأسیسات دروازه نفته، سازه معماری جالبی است که بعد از دروازه بر بدنه شمال‌غرب و مشرف بر راه ارتباطی کلات به ترکمنستان ساخته شده است. این سازهٔ معماری سنگی که «تخت دختر» نامیده شده، بنایی است که گویا جهت اقامت و پاسداری گروهی قراول یا دیده‌بان و مدافع احداث شده است. این قلعه به باور اهالی منطقه، سنگری است که سربازان نادر برای حفاظت از تنگه نفته در آن مستقر می‌شدند. اگرچه این گزاره نمی‌تواند نادرست باشد، ولی در ساختار معماری این اثر شواهدی وجود دارد که بیانگر احداث آن در زمان پیش‌تر از دورهٔ افشاریه است. فرم تیرکِش‌های این قلعه شباهت نزدیکی با قلعه‌های شناسایی‌شده مربوط به دوران قبل از اسلام دارد. بخش فوقانی روزنه‌ها، مثلثی شکل است، به‌گونه‌ای که رأس آن‌ها به بالا است (تصویر ۴). از این نوع روزنه‌ها بر دیوارهای ارگ آق‌تپه در ترکمنستان که مربوط به دوره ساسانی است دیده می‌شود (با توجه به نزدیکی آق‌تپه به کلات می‌توان فرض کرد که اثر مذکور در دوره ساسانیان و با تأثیرپذیری از ارگ آق‌تپه ساخته شده است) (نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰-۳۱).

تپه و بقایای معماری مذکور متعلق به هزاره دوم میانه اسلامی است که با مالکیتی دولتی در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۱۹ با شماره ۱۲۸۷۰ به ثبت ملی رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).



تصویر ٤: تپه و بقایای معماری قصر دختر (نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰)

تپه تخت دختر: بنا بر دیدگاه متخصص بومی منطقه، مؤلف کتاب *دژ خدای آفرین*، تپه تخت دختر، تختگاهی بر روی کوه در محلی است بعد از اتصال سیلاب خشت و قله‌زو. نام‌گذاری تخت دختر و قلعه دختر در مکان‌های مختلف ایران فراوان دیده می‌شود و در این شهرستان علاوه بر موارد مذکور، در مکان‌های دیگری نیز این نام‌گذاری به شکل متشابه وجود داشته است، چنانکه در قره‌تیکان شکاف بین یک کوه به خز دختر شهرت دارد. تپه مذکور (تخت دختر) متعلق به دوره افشاریه است که با مالکیتی دولتی در تاریخ ۱۳٤٦/۰۱/۲۳ در فهرست آثار ملی با شماره ٦٦٩ به ثبت رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری). سایر دربندها و دروازه‌های فرعی دژ طبیعی کلات در این شهرستان، به شرح جدول زیر (جدول ۲) می‌باشند.

جدول شماره ۲: سایر دروازه‌ها/ گذرگاه‌های فرعی دژ طبیعی کلات در دهستان کبودگنبدِ بخش مرکزی شهرستان (مأخذ: اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری)

نام اثر	قدمت	مالکیت	اطلاعات ثبت ملی اثر		موقعیت
			شماره	تاریخ	
دِهچه	افشاریه	دولتی	٦٦٦	۱۳٤٦/۰۱/۲۳	ورودی فرعی از سمت غرب به دژ طبیعی کلات
چوب‌بَست	افشاریه	دولتی	٦٦٧	۱۳۴۶/۰۱/۲۳	دهستان کبودگنبد بخش مرکزی شهرستان
گشتانه (کُشتَنی)	افشاریه	دولتی	٦٦٨	۱۳۴۶/۰۱/۲۳	ورودی فرعی از سمت شرق به دژ طبیعی کلات

قلعه و ارگ فرود: «قلعه و ارگ فرود» زمینی مستطیل‌شکل با طول و عرض حدودی ۵۰۰ و ۲۵۰ متر و نیز وسعتی معادل ۱۲٫۵ هکتار در راستای شمال غرب-جنوب شرق گسترده شده که در ۱۲ کیلومتری شمال غرب شهر کلات و در حدود یك کیلومتری شمال روستای گرو در محل تلاقی دو رشته‌کوه مرتفع (شکل‌دهنده‌های حصار طبیعی کلات) در نقطه‌ای حدود ۷۰۰ متر ارتفاع از کف دره واقع شده است. موقعیت قلعه به‌گونه‌ای انتخاب‌شده که از غرب به محور کلات-درگز و از شرق به گستره صحرای قره‌قوم منتهی و مشرف است. بنابراین، ارگ فرود قلعه‌ای کاملاً نظامی با دو راه باریك است که به‌زحمت و به‌صف باید به آن وارد شد، بنابراین حساس‌ترین و مهم‌ترین موقعیت جغرافیایی منطقه را از لحاظ ژئواستراتژیک به خود اختصاص داده است (تصویر ۵) (لباف‌خانیکی و تقی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵؛ نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۲).



تصویر ۵: قلعه و ارگ فرود (داوری، ۱۳۹۶: ٦۹؛ نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱)

در سطح تپه هیچ‌گونه آثاری از سازه‌های معماری آشکار نیست و تنها آثار مشهود، آب‌انباری با اندود ساروج و بقایای دو اثر معماری است که در جبهه شمال غربی محوطه مشاهده می‌گردد. دروازه قلعه احتمالاً در ضلع جنوبی محوطه قرار داشته که امروزه هیچ اثری از آن باقی نیست. قطعه سفال‌های پراکنده بر سطح محوطه ارگ متعلق به دوران تاریخی و مشابه سفال‌های دوره ساسانی و اوایل اسلام است. اگرچه تا قبل از کاوش و لایه‌نگاری باستان‌شناختی محوطه ارگ فرود نمی‌توان درباره قدمت آن اظهارنظر قطعی نمود، اما در برداشتی مقدماتی می‌توان این محوطه را احتمالاً قلعه‌ای ساسانی معرفی نمود (نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۳). قلعه مذکور با مالکیتی دولتی در تاریخ ۱۳٤٦/۰۱/۲۳ در فهرست آثار ملی با شماره ٦٧۰ به ثبت رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).

سیستم و تأسیسات آب‌رسانی قره‌سو: ازجمله اقدامات بسیار جالب در زمان نادر می‌توان به تأمین آب شرب عمارت خورشید و محله کبودگنبد (مسجد کبودگنبد، منازل اطراف، آب‌انبار و آسیاب‌بادی و درنهایت سرازیری به رودخانه) همپا با ساخت عمارت خورشید و حوض‌های ٣٦٦ گانه عمارت خشت، اشاره نمود. ازآنجاکه آب رودخانهٔ عبوری از شهر کلات نادر (ژَرف‌رود) به سبب مخلوط شدن با آب‌گرم‌های گوگردی و غلیظ منطقه اِسیق‌سو (۱۸ کیلومتری شهر کلات نادر و در بالادست روستای حمام‌قلعه) دارای املاح بسیار سنگین و گچ بالایی بود، این مهم نادرشاه را بر آن داشت تا با بهره‌گیری از توان مهندسان خود، آب شیرین و گوارای تفرجگاه قره‌سو (۵ الی ٦ کیلومتری جنوب غربی حصار کلات) را به نقطه موردنظر برساند، بدین‌صورت که با تطابق کامل اصول مهندسی، ابتدا کانالی با رعایت شیب استاندارد که تنظیم‌کننده فشار آب در آب‌نماهای اطراف عمارت خورشید بود، در مسیر انتقال حفر گردید که در برخی نقاط عمق کانال از سطح زمین به ۵ متر نیز می‌رسید، سپس با آماده‌سازی بستر با استفاده از تنبوشه‌های سفالی بین ۳۰ تا ٦۰ سانتی‌متری و قطر دایرهٔ سنگ ۱۰۰ سانتی‌متری (که در ابتدا سنگ‌های بزرگی را به شکل سنگ آسیا تراش داده‌اند و بعد داخل آن‌ها را خالی کرده‌اند)، عملیات لوله‌گذاری انجام و روی آن‌ها با خاک نرم پوشانده شد و در قسمت‌هایی که احتمال آسیب‌زنی سیلاب وجود داشت، مسیر لوله‌کشی از طریق سنگ و ساروج محافظت شد. همچنین به سبب وجود میزان رطوبت بالا در عمارت خورشید، ناشی از آبیاری چهارباغ محوطه و نیز وجود ۱۵٦ فواره، هشت حوضچه و یك حوض بزرگ در آن، مسیر دورتادور عمارت به جهت جلوگیری از نفوذ آب و آسیب دیدن، با استفاده از خشت و ساروج مقاوم‌سازی گردید (بامداد، ۱۳۴۴: ۱۸؛ خسروی، ۱۳٦٧: ٦۱-٦۰؛ امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۱۳-۱۱۴). با گذشت زمان و عدم حفاظت و توجه، امروزه این سیستم آب‌رسانی ازمیان‌رفته، اما آثار آن در طی مسیر و خصوصاً داخل محوطه عمارت کاملاً نمایان است (تصویر ٦) و حتی فواره‌های داخل عمارت امروزه بازسازی شده‌اند (اگرچه مثل گذشته نیست، اما نمایی از گذشتهٔ با شکوه آن را در خاطر گردشگران زنده می‌کند).



تصویر ٦: تنبوشه‌های سفالی انتقال آب از قره‌سو به کلات (مأخذ: نگارندگان)

عمارت خورشید: این بنا نماد کلات نادری و در میانه شهر (مرکز شهرستان) و در فاصله حدود ۲۰۰ متری از ضلع غربی مسجد کبودگنبد واقع گردیده که به سبب شباهت نیم‌ستون‌های فضای استوانه‌ای آن به شعاع‌های نور خورشید، به قصر خورشید معروف است (تصویر ٧).



تصویر ۷: عمارت/ قصر/ کاخ خورشید، اضلاع جنوبی، جنوب غربی و غربی (مأخذ: نگارندگان)

می‌توان بیان نمود که ساخت بنا به سال‌های آغازین حکومت نادر بازمی‌گردد که عملیات ساخت را در تمام طول پادشاهی (تا ۱۱۶۰ق) ادامه‌دار دیده‌اند. کتیبه ثلث بسیار زیبای «سوره نباء» در قسمت دورتادور فضای داخلی گنبد نیز به همین تاریخ اشاره دارد. ناتمام ماندن عملیات حجاری بر روی سنگ‌های بدنه نشان از آن دارد که کار در بنا حتی تا زمان مرگ نادر نیز تمام نشده و معماران هندی که برای حجاری بنا از هندوستان به کلات آورده شده بودند، با شنیدن خبر مرگ نادر، کار را نیمه‌تمام رها کرده و از منطقه دور شده‌اند (حیدری‌بنی، ۱۳۸۸: ۴۴). در گذشته این بنا به «مقبره» شهرت داشته و هم‌اکنون نیز معمرین از آن به‌عنوان مقبره نادر یاد می‌کنند که احتمالاً شهرت آن به کاخ و قصر مربوط به اواخر دوران قاجاریه است که در آن زمان از این مکان به‌عنوان فضایی حاکم‌نشین استفاده می‌کرده‌اند (امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۰۷). این بنا با مالکیتی دولتی در تاریخ ۱۳۱۸/۱۱/۲۰ با شماره ۳۲۹ به ثبت ملی رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).

مسجد کبودگنبد/ جامع: این مسجد در فاصله حدوداً ۲۰۰ متری ضلع شرقی عمارت خورشید در شهر کلات نادر (مرکز شهرستان) واقع شده است. قدمت بنا بازمی‌گردد به عصر سلجوقی که بعدها در دوران ایلخانی، صفوی و افشاریه مداخله‌های بسیاری در معماری و ساختار آن به عمل آمد و الحاقاتی نیز بر آن افزوده شد. به‌عنوان نمونه، بیوتات و ایوان‌هایی که توسط نادر در اطراف آن ساخته‌شده و عدم همخوانی مصالح و نیز عدم چفت‌وبست دیوارها در برخی قسمت‌های بنا گواهی بر این ماجرا است. وجه‌تسمیه و دلیل نام‌گذاری این اثر مربوط است به کاشی‌های کبود رنگ گنبد آن و نیز موقعیت بنا دقیقاً در مرکز بافت قدیمی شهر کبودگنبد (امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۰۹؛ حیدری‌بنی، ۱۳۸۸: ۴۳) (تصویر ۸).



تصویر ۸: مسجد کبودگنبد (مأخذ: نگارندگان)

این مسجد، با مالکیت دولتیِ میراث فرهنگی در تاریخ ۱۳۴۶/۰۱/۲۳ در فهرست آثار ملی با شماره ٦٦١ به ثبت رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری). در ادامه (جدول ۳) به شرح مهم‌ترین ویژگی‌های معمارانهٔ دو بنای مذکور می‌پردازیم.

جدول ۳: ویژگی‌های معمارانهٔ ابنیهٔ تاریخی عمارت خورشید و مسجد کبودگنبد (نگارندگان به اقتباس از بامداد، ۱۳۴۴: ۹-۱۸؛ خسروی، ۱۳۶۷: ۶۲-۶۷؛ نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶-۳۶؛ امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۱۲)

ویژگی معمارانه	**شرح در بنا**	
	عمارت خورشید	**مسجد کبودگنبد**
مصالح بوم‌آورد	سنگ در نما	خشت و ملات/ سنگ در ازاره‌های بنا
پیوستگی و ارتباط فضایی	وجود غرفه‌های بزرگ و کوچک در سازهٔ هشت‌ضلعی و دو طبقه بنا/ وجود چهار ورودی با ایوان‌های چهارگانه	وجود ارتباط خارج و داخل مسجد از تمامی جهات (ورودی‌های متعدد)
	وجود محور مواصلاتی پیونددهنده ورودی غربی مسجد کبودگنبد با ایوان شرقی و دروازه اصلی عمارت خورشید (تصویر ۹)	
زیبایی بصری	طرح‌ها و نقش‌های الوان در دیواره‌های فضای گنبدخانه میانی با ترکیبی از طلا و رنگ و مزین نمودن دورتادور فضا به سوره نباء/ حجاری و تراش‌های تزئینی با نقوش اسلیمی و برجسته‌ای چون گلدان، گل و بوته، پرندگان، میوه‌های گلابی، آناناس، موز، انگور و غیره توسط معماران هندی در طاق‌نماهای سنگی (مشابه نقوش حجاری‌شده در حاشیه طاق‌نماها و جرزهای کتیبه نادری) و مقطع انتهایی سرستون‌های استوانه‌ای/ نماسازی متقارن و کاملاً شبیه اضلاع هشت‌گانه به‌صورت یک در میان	استفاده از کاشی‌های الوان هفت‌رنگ (با نقوش ترکیبی اسلیمی و گل‌های شاه‌عباسی و غیره در قسمت‌های مختلف طاق‌ها و ایوان‌ها)/ استفاده از کاشی معرق در لچکی‌های رواق‌ها در پی مرمت/ تکرار نام حضرت علی(ع) در چند ردیف به خط بنایی کوفی در دورتادور ساقه گنبد نیلگون/ نصب کتیبهٔ سنگی به خط نستعلیق دورتادور پیشخوان مدخل مسجد بنا بر شیوه مرسوم مرمت‌های دوره قاجاری
تلطیف هوا	وجود درختان، هشت حوض، جوی‌ها و فواره‌هایی سنگی دور عمارت در صحن و حیاط مستطیل‌شکل	وجود حوضی مستطیل‌شکل در صحن مرکزی
اصول فنی و سازه‌ای	اجرای گنبد دو پوستهٔ رفیع: وجود فاصله میان دو پوستهٔ گنبد به‌عنوان درز انقطاع (درز انبساط)	
	اجرای انواع طاق و قوس در بنا: اجرای طاق باربر و نیمه اسکلتی کُلمبو (متشکل از تویزه، گوشه‌سازی و عَرقچین بر روی فضای مربع‌شکل) بر چهار پایه سنگی در سازهٔ سقف بخش میانی (سردابه) زیرزمین/ اجرای قوس‌های: مربع (سه و دو قسمت)، پنج‌اُهفت کند، پنج‌اُهفت معمولی در طاق‌های نماهای بیرونی	وجود طاق‌نماها/ صحن چهار ایوانهٔ مستطیل‌شکل و ازاره‌های سنگی در آن/ وجود شبستان‌هایی در پشت ایوان‌های شرقی و جنوبی/ هشتی ورودی/ محراب‌ها در ایوان‌های جنوبی و غربی/ وجود غرفه‌ها در تمامی اطراف بیرونی صحن که هم‌اکنون در قسمت شمالی بنا بازسازی و مرمت شده‌اند (تصویر ۸، سمت راست)
	تأمین روشنایی طبیعی گنبدخانه: وجود ناودان‌ها در میان پوشش استوانه‌ایِ متشکل از خیاره‌ها با حذف چهار نیم‌ستون در بالای برج	

محور مواصلاتیِ پیونددهنده ابنیه عمارت خورشید و مسجد کبودگنبد به یکدیگر، امروزه به همت اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری شهرستان کلات احیاء گردیده که با فلش قرمزرنگ در تصویر ۹، مشخص شده است.

تصویر ۹: محور مواصلاتی احیاء شده مسجد کبودگنبد به قصر خورشید (مأخذ: عزیزی، مستندساز و خبرنگار محلی)



در مجاورت بنای مسجد کبودگنبد، آثار تاریخی ارزشمندی به شرح جدول ۴، وجود دارد.

جدول ٤: آثار تاریخی واقع در مجاورت بنای مسجد کبودگنبد (مأخذ: نگارندگان)

نام اثر	شرح اثر	موقعیت
آب‌انبار	آب موردنیاز اهالی ساکن در کبودگنبد «گویمت» از طریق سیستم لوله‌کشی تنبوشه‌های سفالی، از تفرجگاه قره‌سو و گذر از باغ عمارت خورشید وارد این آب‌انبار می‌شد و سپس به مسجد کبودگنبد و برخی از منازل اطراف جریان می‌یافت. این بنا به سبب بازگشایی خیابان اطراف مسجد کبودگنبد در دهه ۸۰، زیر انبوهی از خاک مدفون گشت.	مجاور ضلع شمالی مسجد کبودگنبد
حمام نادری	قدمت: افشاریه. مشتمل بر: آب‌انبار، مسجد و بازار. نکات برجستهٔ معماری: ۱. طراحی ورودی از ضلع غربی بیرون از فضای مسجد در جهت احترام به معنویت فضای مسجد و گشودگی خروجی به فضای هشتی مسجد (فرد تطهیر و سپس وارد مسجد می‌شود)، ۲. وجود روزن‌های نورگیر در سقف گنبدی، ۳. وجود فضاهایی چون: سرحمام، خزانه، سردخانه و گرم‌خانه و ٤. استفاده از آجر به‌عنوان مصالحی مقاوم در برابر رطوبت و آب.	جزئی از مجموعه کبودگنبد، ساخته‌شده بر پایه‌های تخریب‌شدهٔ غرفه‌های ضلع شمال غربی مسجد کبودگنبد

محوطه باستانی حسن‌احمد: این محوطه با وسعتی معادل یک هکتار در بالای تپه‌ای در حاشیه شمالی بلوار امام رضا(ع) در شهر کلات نادر (مرکز شهرستان) واقع شده است. در چندین نقطه از این محوطه آثار حفاری‌های غیرمجاز مشاهده می‌گردد که از آثار سطحی موجود در آن و نیز اندازه خشت‌های نمایان شده در اثر این حفاری‌ها چنین برداشت می‌شود که قدمت محوطه مربوط به دوره قبل از اسلام و به‌احتمال‌زیاد دوره اشکانیان باشد و سفال‌های سطحی نیز مربوط به ظروف مختلف همچون خمره‌های بزرگ ذخیره آذوقه، کاسه‌ها و خمره‌های کوچک است (امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

بند/ سد نادری: در شرقی‌ترین قسمت حصار و دژ طبیعی کلات، در فاصلهٔ حدوداً ۴ کیلومتری مرکز شهرستان (شهر کلات نادر) بر دره‌ای مشرف‌به رودخانه زُرف‌رود با ارتفاعی معادل ۷۰ متر از کف رودخانه ساخته‌شده که با گذشت زمان و تخریب بر اثر عوامل مختلف، ارتفاع کنونی آن به ۲۵ متر رسیده است. با حرکت از بستر رودخانه به سمت بالای سد بر عرض بند افزوده می‌شود، طوری که در بالاترین نقطه، عرض دیواره به ۵۰ متر می‌رسد. نمای غربی دیوارهٔ بند جایی که آب در پشت آن جمع می‌شود با آجرهای قرمزرنگ پوشیده شده و طول دیوار بند تا حدی دارای حالت نیم‌دایره و شبیه سدهای هلالی با فرورفتگی بسیار کم است (اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان خراسان رضوی) (تصویر ۱۰). ساختمان بند از جنس سنگ، آجر و ساروج است و در سیستم سازه‌ای سد، سه‌دهنه بزرگ به فواصل مختلف در بدنه آن ساخته‌شده که ظاهراً دو دهانه زیرین برای کاهش فشار آب و دهانه سوم در قسمت فوقانی به‌منظور تقسیم آب به‌کار رفته و در حال حاضر آب سد از شکاف عمیقی که در زیر سد ایجاد شده است، می‌گذرد. همچنین دریچه و دهنه‌های دیگری نیز در ارتفاعات معین تعبیه گردیده که از بالای سد باز و بسته می‌شدند (اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان خراسان رضوی). در ارتباط با قدمت اثر اختلاف نظراتی چون قدمت افشاریه، ساسانی، قبل از قرن نهم و سلاجقه، میان اهالی و محققین وجود دارد، اما نمونه‌برداری‌های اخیر حکایت از عمر ۷۰۰ تا ۸۰۰ ساله بند دارد و بازگو می‌کنند که بنای اصلی بند قدمت بسیار دارد که در دوره‌های تاریخی مختلف تعمیراتی در ساختمان آن صورت گرفته و عدم یکسان بودن آجر بِکار گرفته‌شده در تمامی بدنه گواهی است بر آن (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۰: ۴۳۹-۴۳۸؛ مقری، ۱۳۵۹: ۵۹-۴۹). بند مذکور با مالکیتی دولتی در تاریخ ۱۳٤٦/۰۱/۲۳ در فهرست آثار ملی با شماره ٦٦۰ به ثبت رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).



تصویر ۱۰: نماهای شرقی و غربی دیوارهٔ بند نادری (مأخذ: نگارندگان)

سایر آثار تاریخی غیرمنقول در روستای خشت

روستای خشت: این روستا در ۷ کیلومتری شمال دژ طبیعی کلات، بر قله کوهی مرتفع قرارگرفته که از بالای آن می‌توان تا ۴۰ کیلومتری ترکمنستان را زیر نظر داشت. بنابراین، از منظر موقعیت جغرافیایی خاص، به‌عنوان یک پادگان نظامی قابل‌تأمل بوده است. وجه‌تسمیه این روستا که در گذشته بانام «قلعه سفید» شناخته می‌شده، به دلیل وجود خشت‌های ضخیم و قرمز دوره نادری است (امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

ساختمان عمارت/ عمارت خشت: «ساختمان عمارت» به‌عنوان یک شاه‌دژ و ارگ شاهی در میان قلعه کلات شناخته می‌شد که در حدود یک کیلومتری از غرب روستای خشت، رو به کشور ترکمنستان واقع شده و به عقیده بسیاری از محققین، محل دفاین خزاین نفیس نادری و یا محل اجتماع سربازانی بوده که می‌بایست از یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط کلات در برابر متجاوزین محافظت می‌نمودند. از دیواره‌های سنگی تالارهای بزرگ این عمارت که در محوطه‌ای وسیع ساخته شده بود، در حال حاضر سنگ‌های حجاری‌شده‌ای که احتمالاً به‌عنوان تزئین ازاره‌های بنا بوده و به حجاری‌های عمارت خورشید شباهت دارند، برجای‌مانده است (امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۱۷؛ مروی، ۱۳۶۴: ۱۰۸۸).

آب‌انبارهای قریه خشت: از دیگر جلوه‌های ذکاوت و هوشمندی نادر در کنار تأسیسات انتقال آب قره‌سو به کلات، می‌توان به ساخت حوض‌انبارهای روستای خشت برای تأمین آب موردنیاز عمارت خشت (واقع در یکی از مرتفع‌ترین نقاط و فاقد هیچ‌گونه چشمه یا رودخانه‌ای) اشاره نمود که ۳۶۶ حوض به تعداد روزهای سال با احتساب یک روز کبیسه (که هر حوض کفایت یک روز از سال را می‌نمود) در روستای خشت ساخته شد که برای هدایت آب باران و برف به داخل حوض‌ها، راه‌آب‌هایی در نقاط مختلف ارتفاعات با سنگ، خشت و ساروج ایجاد و در مسیر انتقال، یک سیستم تصفیه آب با قرار دادن خار و خاشاک و احداث حوضچه‌هایی کوچک برای کم کردن سرعت آب اجرا و سقف حوضچه‌ها برای مصون ماندن از نور خورشید با طاق‌هایی هلالی پوشانده شد. متأسفانه امروزه اثری از این تأسیسات باقی نیست و آب موردنیاز منطقه از طریق چاه و منبع ذخیره آب واقع در دربند ارغون‌شاه تأمین می‌گردد (نظرآهاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴؛ امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۱۷). آب‌انبارهای مذکور با مالکیتی دولتی در تاریخ ۱۳۴۶/۰۱/۲۳ با شماره ۶۶۳ به ثبت ملی رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).

آسباد خشت: به دستور نادرشاه افشار به فاصلهٔ ۱۳ کیلومتری از عمارت خورشید در سمت شمال دژ طبیعی کلات و در جبههٔ شمال غربی فلات خشت، سازه آسباد خشت برای تأمین آرد موردنیاز سربازان و اهالی (در جبهه شمال‌غربی دشتی در مجاورت روستای خشت) بر فراز طاقدیسی (کوه نیکل خشت) به ارتفاع ۲۲۰۰ متر از سطح دریا ساخته شد. در حال حاضر تنها توده‌ای از مصالح ساختمانی و اندکی از دیواره‌های بنا برجای‌مانده و اظهارنظر قطعی در ارتباط با قدمت اثر هنوز معلوم نگردیده، اما آنچه مسلم است مربوط به قبل از قرن چهارم هجری است، چراکه از آن در شاهنامه فردوسی نیز یاد شده است (نظرآهاری و

همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴؛ امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۱۸؛ حیدری‌بنی، ۱۳۸۸: ۴۳).

سایر آثار تاریخی غیرمنقول واقع در دهستان کبودگنبد بخش مرکزی شهرستان، به شرح جدول ۵، می‌باشند.

جدول ۵: سایر آثار تاریخیِ غیرمنقول دهستان کبودگنبد بخش مرکزی شهرستان (مأخذ: اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری)

نام اثر	قدمت	مالکیت	اطلاعات ثبت ملی اثر		موقعیت
			شماره	تاریخ	
حمام قله‌زو	پهلوی اول	وقفی	۲۹۲۸۴	۱۳۸۸/۱۱/۱۳	۹ کیلومتری کلات، روستای قله‌زو
حمام نادری حمام‌قلعه	قاجار	عمومی	۲۹۲۸۲	۱۳۸۸/۱۱/۱۳	۳ کیلومتری جنوب روستای حمام‌قلعه
برج‌های نگهبانی روستای سینی کهنه	-	-	-	-	روستای سینی کهنه

آثار تاریخی غیرمنقول در دهستان هزارمسجد بخش مرکزی

مجموعه آثار تاریخی غیرمنقول در روستای بابا رمضان: روستای بابا رمضان واقع در دهستان هزارمسجد بخش مرکزی شهرستان کلات، دارای آثار تاریخی غیرمنقولی به شرح زیر است:

آرامگاه بابا رمضان: «آرامگاه بابا رمضان» در حاشیه جنوبی روستای بابا رمضان قرارگرفته و بنایی تاریخی متعلق به اواخر دوره قاجار است که با مالکیتی وقفی در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۳ در فهرست آثار ملی با شماره ۲۹۰۷۰ به ثبت رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).

غارها/ مُغاره‌های دَستکَند بابا رمضان (خانه گبری): غارهای دَستکَند (مُغاره/ گل/ سم/ گیم/ گوم) در ایران پیشینه‌ای طولانی داشته و به پرستشگاه‌های دوران میتراییسم بازمی‌گردد. این غارها معمولاً توسط تیشه در سنگ‌های نرمی چون مارن، کنگلومرا و یا خاک تروس نقر می‌شده و به‌عنوان محل نگهداری احشام، انبار، عبادتگاه، آرامگاه، استراحتگاه، معدن و موارد مشابه و در هنگام هجوم دشمنان نیز به‌عنوان مخفیگاه، جان‌پناه و پناهگاه مورد استفاده قرار می‌گرفته که از نمونه‌های آن می‌توان به مُغاره بابا رمضان واقع در محور کلات-درگز و سمت راست جاده بابا رمضان اشاره نمود. این غارهای دَستکند مسکونی در حال حاضر به‌عنوان گاش گوسفندان استفاده می‌گردند و در سال‌های اخیر سقف یکی از آن‌ها فروریخت و ده‌ها گوسفند زیر آوار مدفون شد (شیخ و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۲-۱۷۶). از دیگر مُغاره‌های شناسایی‌شده در سطح بخش مرکزی شهرستان می‌توان به مُغاره رُباط واقع در محور کلات-درگز و در روستای رُباطِ دهستان هزارمسجد؛ مُغاره سوراخ نمدآب واقع در محور کلات-درگز و در روستای چَرَم‌کُهن دهستان کبودگنبد اشاره نمود.

حمام لایین کُهنه: «حمام لایین کهنه» واقع در روستای لایین کهنه، بنایی تاریخی متعلق به قرون متأخر اسلامی است که با مالکیتی عمومی در تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۲۴ با شماره ۳۰۲۸۸ به ثبت ملی رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).

در ادامه به بررسی آثار تاریخیِ غیرمنقول در بخش زاوین شهرستان می‌پردازیم:

آثار تاریخیِ غیرمنقول در دهستان پَساکوه بخش زاوین

آثار تاریخیِ غیرمنقول در روستای آبگرم: برای بریدن رشته‌کوه هزارمسجد، در هنگام سفر از توس به دشت خاوران و خوارزم و ماوراءالنهر سه راه وجود داشته: اولین راه که نزدیک اما صعب‌العبور بوده از طریق دره مشهور «کارده» به «کلات» می‌پیوسته؛ راه دوم با دور زدن رشته‌کوه و گذر از سرخس به مرو بوده که وسیع و کاروان‌رو بوده و سوم راهی میانه که از توس و حدود پاژ شروع‌شده و پس از آنکه از خط‌الرأس رشته‌کوه می‌گذشته در دره‌ای به نام «خور» سرازیر می‌شده و تا روستای مرزی چِهچَهه از کنار رودخانه پیش می‌رفته و آنگاه وارد دشت خاوران می‌شده است که هم‌اکنون نیز راه مشهد به کلات در نیمه اول تقریباً از همین مسیر میانه و سوم می‌گذرد. راه یادشده از عهد غزنویان و روزگار ابوسعید ابوالخیر میهنه‌ای که میان میهنه و توس و نیشابور در تردد بوده کاروان‌رو شناخته شده است. در میانه یک شاخه از همین

راه، شاخه‌ای از نوغان به تبادکان و آبگرم می‌رفته و بعد به دره خور سرازیر می‌شده است (امیری و شاکری، به نقل از یاحقی، ۱۳۷۳: ۱۱۹-۱۲۰). بنابراین، بر پایهٔ این پیشینه تاریخی، روستای آبگرم واقع در مسیر کاروان‌روی مذکور، اثر ارزشمندی چون یک کاروان‌سرا تحت عنوان رباط آبگرم را در خود جای‌داده است که در ادامه به تشریح آن می‌پردازیم.

رباط آبگرم: بنای سنگی و سرپوشیده‌ای است که در میان دره‌ای سرسبز و پر آب در ۸ کیلومتری جنوب غرب روستای آبگرم قرار دارد. پلان بنا مستطیل‌شکل و محصور به برج‌هایی در گوشه‌ها است و ورودی آن از انتهای یک ایوان آغاز می‌شود و پس از عبور از یک دالان با اتاق‌هایی در طرفین، به تالاری وسیع و ستون‌دار (فضای اصلی بنا) منتهی می‌گردد. شکل تالار مربع و پوشیده از چشمه طاق‌ها است. احتمال می‌رود که بنا، کاروانسرایی متعلق به عصر غزنویان باشد. مصالح ساختمان از آجر و سنگ‌های مرتب و تراشیده است (تصویر ۱۱). با توجه به قدمت بنا می‌توان حدس زد که بعد از هسته اولیه حرم امام رضا(ع) و گور ارسلان جاذب، این رباط قدیمی‌ترین بنای دیار توس به شمار می‌آید (همان) که با مالکیتی دولتی در تاریخ ۱۳۸۳/۰۵/۱۷ با شماره ۱۱۰۶۴ به ثبت ملی رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).



تصویر ۱۱: رباط آبگرم (مأخذ: اسناد تصویری میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان کلات؛ عزیزی، مستندساز و خبرنگار محلی)

سایر آثار تاریخیِ غیرمنقول در دهستان پَساکوه بخش زاوین شهرستان به شرح جدول ٦، می‌باشند.

جدول ٦: سایر آثار تاریخیِ غیرمنقول دهستان پَساکوه بخش زاوین شهرستان (مأخذ: اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری)

نام اثر	قدمت	مالکیت	اطلاعات ثبت ملی اثر		موقعیت
			شماره	تاریخ	
تپه سَنگانه	هزاره ۴-۲ ق.م	دولتی	۱۱۹۸۸	۱۳۸۴/۰۵/۰۴	دهستان پساکوهِ بخش زاوین
تپه رُباط	قرون میانه اسلامی	دولتی	۳۰۲۹۵	۱۳۹۰/۰۳/۲۴	روستای آبگرم
قلعه قدیمی چَهچَهه	-	-	-	-	جنگل پسته خواجه، نقطه مرزی روستای چَهچَهه

آثار تاریخیِ غیرمنقول در دهستان زاوین بخش زاوین

مجموعه آثار تاریخیِ غیرمنقول در روستای سَرِرود: روستای سَررود (کیلومتر ۱۱۰ محور مشهد-کلات و نیز ٦ کیلومتر مسیر فرعی) علاوه بر جغرافیای خاص و برخوردار از جاذبه‌های طبیعی، دارای آثار تاریخی ارزشمندی به شرح زیر است.

غارها/ مُغاره‌های دَستکَند سَررود (قلعه سوراخه/ خانه‌های گبری): از دیگر دَستکندهای منطقه می‌توان به مجموعه‌ای خانه‌های گبری زیبا و منحصربه‌فرد مشتمل بر ده‌ها اتاق و راهرو اشاره نمود که در دیواره کوه مشرف‌به روستای سررود (۳۰ کیلومتری مرکز شهرستان (شهر کلات نادر) و در ۱۵ کیلومتری آبشار زیبای اورتکند) در لایه‌های تروس، به‌عنوان پناهگاه مردم در هنگام خطر ایجاد شده است. این مجموعه قدمتی بسیار دیرینه داشته و به دوران رسمیت دین زرتشت در ایران بازمی‌گردد و در میان اهالی روستاهای مجاور به قلعه سوراخه نیز مشهور است (شیخ و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۲-۱۷۶) (تصویر ۱۲).

سه بُرج سَررود: بر فراز کوهی مشرف بر جادهٔ روستای سَررود و در روبروی قلعه گبرها، برج‌هایی مشهور به سه برج و متعلق به دوره‌های اسلامی به چشم می‌خورند که نشانگر تغییر مکان ساکنین قلعه مذکور می‌باشند (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: موقعیت آثار تاریخی روستای سررود شامل: قلعه گبرها و سه برج نسبت به یکدیگر (مأخذ: نگارندگان)

حمام قدیمی سَررود: «حمام قدیمی سَررود» بنایی است یادگار از دوران صفوی با مالکیتی عمومی که در حاشیه رودخانه عبوریِ قَره‌تیکان قرار دارد و در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۲۲ با شماره ۱۳۱۶۴ به ثبت ملی رسیده است (اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری) (تصویر ۱۳).

پژوهشنامه خراسان بزرگ
پاییز ۱۴۰۲ شماره ۵۲



تصویر ۱۳: حمام قدیمی سررود (مأخذ: نگارندگان)

مهم‌ترین ویژگی‌های معمارانه در بنای مذکور عبارت‌اند از: ۱. کرسی‌چینی در سازه برای الزامات استحکامی و تعبیه فضای عبور لوله‌های تأسیساتی متناسب با کاربری، ۲. رعایت ملاحظات اقلیمی متناسب با منطقه سرد و کوهستانی اعم از: رعایت سلسله‌مراتب در انتقال حرارت و رطوبت به فضاها/ قرارگیری و ساخت کالبد بنا تا حد ممکن در داخل زمین (گرمایش بیشتر فضا و هدررفت کمتر دما)/ وجود دریچه و نورگیر در سقف گنبدی‌شکل بنا (که در قدیم توسط شیشه‌هایی عدسی‌مانند بسته می‌شد و علاوه بر تأمین نور و روشنایی طبیعی و جلوگیری از دید، مانع ورود هوای سرد به داخل گرمابه می‌شد). ۳. استفاده از سنگ در بدنه خارجی و خصوصاً داخلی جهت افزایش عمر مفید ساختمان و مقاومت فیزیکی بالا در برابر آب و رطوبت. سایر آثار تاریخیِ غیرمنقول در دهستان زاوین بخش زاوین شهرستان نیز به شرح جدول ۷، می‌باشند.

جدول ۷: سایر آثار تاریخیِ غیرمنقول در دهستان زاوین بخش زاوین شهرستان (مأخذ: اسناد ثبتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری)

نام اثر	قدمت	مالکیت	اطلاعات ثبت ملی اثر		موقعیت
			شماره	تاریخ	
بقایای قلعه قَره‌تیکان	قرون متأخر اسلامی	دولتی	۱۲۸۶۹	۱۳۸٤/۰۵/۲۲	شمال روستای قَره‌تیکان
محوطه قَره‌تیکان	قرون میانه و متأخر اسلامی	دولتی	۳۰۲۹۱	۱۳۹۰/۰۳/۲٤	دهستان زاوینِ بخش زاوین
حمام پاچنار زاوین	اواخر دوره قاجار	عمومی	۳۰۳٦۰	۱۳۹۰/۰۳/۲٤	شهر زو، امام حسین ۲۱

تپه طَرقِطِی	دورهٔ اشکانی-ساسانی	دولتی	۳۰۴۷۸	۱۳۹۰/۱۰/۰۸	شمال روستای قَره‌تیکان

مهم‌ترین چالش‌های گردشگری میراث فرهنگی در شهرستان کلات

شواهد برداشت‌های میدانی و نتایج ماحصل از مصاحبه‌های صورت گرفته در این تحقیق حاکی از آن است که متأسفانه وجه گردشگری میراث فرهنگی در شهرستان کلات به نسبت سایر وجوه آن، اولاً مورد استقبال چندانی از سوی گردشگران قرار نگرفته است، چراکه الف) از میان آثار و جاذبه‌های تاریخیِ غیرمنقول در این شهرستان تنها آثار عمارت خورشید، بند نادری، مسجد کبودگنبد (جامع)، باروی طبیعی کلات و برج‌های دیده‌بانی و کتیبه و دروازه ارغون‌شاه برای گردشگران و حتی ساکنین نام‌آشنا بوده و این طیف نسبت به سایر آثار، اطلاعات شناختی و مکانی چندانی ندارند و تنها عده‌ای محدود نسبت به موجودیت آن‌ها آگاهی دارند و ب) در زمینهٔ زیرساخت‌ها و تجهیزات، تسهیلات و خدمات پشتیبانی و نیز ملاحظات زیست‌محیطی در محل این آثار، خصوصاً آثار تاریخی واقع در خارج از محدودهٔ شهری کلات نادر (مرکز شهرستان)، منطقه دچار ضعف و مشکل است و ثانیاً تعدادی از آثار تاریخیِ غیرمنقول در آن رو به فراموشی سپرده‌شده و در معرض تخریب قرارگرفته‌اند و با مسائل و چالش‌هایی بدین شرح دست و پنجه نرم می‌کنند: ۱. چهرهٔ نامطلوب و تضعیف آسایش کاربران به دنبال مسائلی چون وجود آلودگی‌های زیست‌محیطی در سایت‌های تاریخی (نظیر دربند ارغون‌شاه، برج ارغون‌شاه و غیره). ۲. تضعیف حس امنیت و ایمنی در فضا برای کاربران به دنبال مسائلی چون راه دسترسی دشوار و ناایمن و بعضاً قرارگیری بنای تاریخی در لبهٔ پرتگاه و نداشتن جان‌پناه (نظیر آثار تاریخی برج ارغون‌شاه، بند نادری و غیره)؛ ۳. تضعیف و تهدید سلامت بنا به دنبال مسائلی چون: فرونشست و تخریب تدریجی ناشی از نفوذ روان آب‌های سطحی خصوصاً در جریان سیلاب (نظیر آثار تاریخی بند نادری، مسجد کبودگنبد و حمام نادری، حمام سَررود و غیره). نداشتن حفاظ و شرایط قرارگیری بنا در فضایی باز و روبه باد و بارش‌های جوی، عیوب ساختاری به هنگام زمین‌لرزه، وجود گونه‌های گیاهی و گُل‌سنگ‌ها در سطوح، وجود منابع نمک محلول در نزدیکی بنا (زمین‌های کشاورزی) (نظیر آثار تاریخی بند نادری، کتیبه نادری و غیره). عدم فرهنگ‌سازی در خصوص حفاظت از ابنیه و آثار تاریخی و آسیب به بنا توسط اهالی و جویندگان گنج. لازم به ذکر است که در صورت استمرار بی‌توجهی بر رفع مسائل و چالش‌های حاضر و پیشِ روی آثار تاریخی که به‌عنوان نمونه تعدادی از آن‌ها در بالا تشریح گشت، ممکن است فرآیند تخریب اثر زودتر از آنچه انتظار می‌رود به وقوع بپیوندد. از این‌رو، بنا بر قابلیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در جهت توسعه پایدار گردشگری شهرستان کلات، می‌بایست توجه جدی و بنیادی‌تری به آثار تاریخی غیرمنقول آن گردد که چنین مهمی از طریق دنبال نمودن برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، حمایت از سرمایه‌گذاری و نیز به‌کارگیری مشارکت تمام ذی‌مدخلان در این عرصه، راه احیاء و ارتقاء هویت تاریخی و توسعه گردشگری میراث فرهنگی و بالطبع توسعهٔ پایدار منطقه را هموار ساخته و می‌توان به سهم قابل‌توجهی در این زمینه دست‌یافت.

نتیجه‌گیری

صنعت گردشگری با دامنهٔ گسترده خود، گونه‌های متنوعی را شامل شده که در این میان شاخهٔ گردشگری میراث فرهنگی با تکیه‌بر آثار تاریخی غیرمنقول (در گونهٔ گردشگری فرهنگی)، مقصدی مطلوب و جذاب برای گردشگران علاقه‌مند به مکاشفه و شناخت هویت تاریخی سرزمین باستانی ایران در طول تمدن‌های بشری است. در این پژوهش سعی بر آن بود تا ضمن آشنایی با ماهیت، جایگاه و معنا و مفهوم گردشگری میراث فرهنگیِ ملموسِ غیرمنقول، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های شهرستان کلات در این زمینه موردشناسایی، تحلیل و بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق گویای آن است که شهرستان کلات دربردارندهٔ قابلیت بی‌نظیر گردشگری میراث فرهنگی است که در این زمینه می‌توان به وجود آثار مهم تاریخیِ غیرمنقول برجای‌مانده از عصر مفرغ تا دورهٔ قاجار در دو بخش مرکزی و زاوین آن، به شرح زیر اشاره نمود. آثار مهم تاریخیِ غیرمنقول در دهستان کبودگنبد بخش مرکزی عبارت‌اند از: الف) مجموعه آثار تاریخی حصار طبیعی

کلات (دژ خدای‌آفرین) شامل: ۱. برج‌های دیده‌بانی، ۲. دربندها و دروازه‌های حصار کلات شامل: دربند (دروازه) اصلی ارغون‌شاه دربردارندهٔ آثار تاریخی برج ارغون‌شاه و کتیبه نادری؛ دربند (دروازه) اصلی نفته دربردارندهٔ آثار تاریخی تپه و بقایای معماری قصر دختر، تپه تخت دختر؛ دروازه‌ها و گذرگاه‌های فرعی دِهچه، چوب‌بَست و گشتانه (کُشتَنی)، ۳. قلعه و ارگ فرود، ۴. سیستم و تأسیسات آب‌رسانی قره‌سو، ۵. عمارت خورشید، ٦. مسجد کبودگنبد (جامع)، ۷. آب‌انبار، ۸. حمام نادری و ۹. محوطه باستانی حسن احمد، بند (سد) نادری. ب) آثار تاریخی در روستای خشت اعم از: ۱. ساختمان عمارت (عمارت خشت). ۲. آب‌انبارهای قریه خشت. ۳. آسباد خشت. آثار مهم تاریخیِ غیرمنقول در دهستان هزارمسجد بخش مرکزی عبارت‌اند از: الف) مجموعه آثار تاریخی در روستای بابا رمضان شامل: ۱. آرامگاه بابا رمضان، ۲. غارها یا مُغاره‌های دَستکَند بابا رمضان (خانه‌های گبری)، ب) حمام لایین کهنه. آثار مهم تاریخیِ غیرمنقول در دهستان پَساکوه بخش زاوین عبارت‌اند از: الف) آثار تاریخی در روستای آبگرم شامل رُباط آبگرم، ب) تپه سَنگانه، ج) تپه رُباط، د) قلعه قدیمی چَهچَهه. آثار مهم تاریخیِ غیرمنقول در دهستان زاوین بخش زاوین عبارت‌اند از: الف) مجموعه آثار تاریخی در روستای سَررود شامل: ۱. غارها یا مُغاره‌های دَستکَند سَررود (قلعه سوراخه یا خانه‌های گبری). ۲. سه بُرج سَررود. ۳. حمام قدیمی سَررود. ب) آثار تاریخی قَره‌تیکان شامل: ۱. بقایای قلعه قَره‌تیکان. ۲. محوطه قَره‌تیکان. ج) حمام پاچنار زاوین. د) تپه طَرقِطی. از این‌رو، در هم تنیدگی عامل میراثی با عامل اکولوژیکی در این شهرستان، در وهلهٔ اول موقعیتی خاص و منحصربه‌فرد را در خراسان بزرگ و سپس در سطوح ملی و بین‌المللی برای گردشگری فراهم آورده است که با تکیه‌بر آن می‌توان توسعهٔ ابعاد هویتی-تاریخی، فرهنگی-اجتماعی، کالبدی-عملکردی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی و حصول نتایج مثبت مستقیم و غیرمستقیم در این عرصه‌ها را برای منطقه رقم زد.

فهرست منابع

۱. اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان خراسان رضوی. ***فهرست آثار ثبت شده میراث فرهنگی غیرمنقول شهرستان کلات***.

۲. امیری، حسن، و وحدت شاکری. (۱۳۸۵). ***دژ خدای‌آفرین***. مشهد: خیزران.

۳. بامداد، مهدی. (۱۳۴۴). ***آثار تاریخی کلات و سرخس***. تجدید چاپ خطابهٔ مهدی بامداد در روز یکشنبه دوم آبان ۱۳۲۳ در انجمن آثار ملی. تهران: تابان.

۴. بونی فیس، پریسیلا. (۱۳۸۰). ***مدیریت گردشگری فرهنگی***. ترجمه محمود عبداله‌زاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۵. بهبودی، کمال. (۱۳۹۱). «روش‌های حفاظتی آثار صخره‌ای با مطالعه موردی بر روی کتیبه ناتمام ارغون‌شاه در کلات نادری». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. تهران: دانشگاه هنر.

٦. تقوایی، مسعود، و محمود رنجبردستنایی. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر پراکنش امکانات و خدمات مسیر گردشگری شمال شرق استان چهارمحال و بختیاری». ***پژوهش و برنامه‌ریزی شهری***. (شماره ۱)، ۴۸-۲۱.

۷. توانگر، معصومه، و جواد فرهادی. (۱۴۰۱). «اثرات اجرای طرح‌های توسعه شهری در تخریب مکان‌های باارزش شهر زیارتی- گردشگری مشهد». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ٤٦)، ۸۴-۷۱.

۸. حسن‌پور، بهروز. (۱۳۹۴). «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های گردشگری تاریخی کرمانشاه و تأثیر آن بر توسعه گردشگری شهر کرمانشاه». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. ایلام: مؤسسه آموزش عالی باختر.

۹. حسینی، سید محمد، و همکاران. (۱۳۹۹). «الگوی راهبردی در اداره امور میراث فرهنگی و گردشگری مبتنی بر تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران». ***مطالعات دفاعی استراتژیک***. (شماره ۷۹)، ۳٦۸-۳۴۹.

۱۰. حیدری‌بنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «مطالعه و مرمت بند کلات خراسان». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. اصفهان: دانشگاه هنر.

۱۱. خسروی، محمدرضا. (۱۳۶۷). ***کلات نادری***. مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۲. خواجه، راحله، و روح‌الله بهزاد. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر توسعه گردشگری فرهنگی با تأکید بر ظرفیت‌های تاریخی (مطالعه موردی: جاذبه‌های کلات نادری)». ***ششمین کنگره ملی عمران، معماری و توسعه شهری***. دانشگاه علم و صنعت ایران.

۱۳. داوری، راهله. (۱۳۹۶). «اکوتوریسم و نقش آن در توسعه پایدار ناحیه‌ای (موردمطالعه: شهرستان کلات)». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. فردوس: دانشگاه پیام‌نور.

۱۴. راستاد بروجنی، مرضیه، و همکاران. (۱۳۹۶). «واکاوی اثرات بافت‌های تاریخی بر توسعه گردشگری فرهنگی گمیشان». ***میراث و گردشگری***. (شماره ۵)، ۱۰۸-۸۷.

۱۵. رنجبریان، بهرام، و محمد زاهدی. (۱۳۸۶). ***شناخت گردشگری***. اصفهان: چهارباغ.

۱۶. سازمان برنامه و بودجه استان خراسان رضوی، ***سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵*** . [پیوسته] قابل دسترس در: www.amar.org.ir

۱۷. سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، اداره آمار و اطلاعات کشاورزی (۱۴۰۰). ***سیمای شهرستان کلات در سال ۱۳۹۹*** .

۱۸. شیخ، محمدرضا، و همکاران. (۱۳۹۷). ***فرهنگ جامع جاذبه‌های طبیعی و آثار تاریخی استان خراسان رضوی***. مشهد: سخن‌گستر.

۱۹. صاحبی، شیرین، و همکاران. (۱۳۹۹). «بررسی اثرات توسعه گردشگری بر تحولات اجتماعی-فرهنگی مقصدهای روستایی (مطالعه موردی: روستاهای مقصد گردشگری شهرستان چناران)». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۳۷)، ۸۶-۶۳.

۲۰. طاهری، انوشه، و فرهاد خسروی‌بیژائم. (۱۴۰۰). «مطالعه شمایل‌شناسی کتیبه‌های بناهای صفوی سرایان». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۴۴)، ۳۱-۲۸.

۲۱. عزیزی، سید رسول. عکاس، مستندساز و خبرنگار محلی کلات نادر. ***آرشیو تصاویر***.

۲۲. فرهمند، شعبانعلی. (۱۳۸۶). ***سیمای گردشگری کلات نادری***. مشهد: ایران آزاد.

۲۳. قدوسی، محمدحسین. (۱۳۳۹). ***نادرنامه***. مشهد: انجمن آثار ملی خراسان.

۲۴. قربانی، حمیدرضا، و همکاران. (۱۳۹۴). «تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های محدوده تاریخی خراسان بزرگ در استان خراسان جنوبی». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۲۱)، ۵۷-۸۲.

۲۵. قنبرزاده، هادی، و همکاران. (۱۳۹۲). «قابلیت‌های میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان کلات؛ دروازه مشترک همگرایی ایران و آسیای مرکزی». ***اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط‌زیست پایدار***. همدان.

۲۶. کلاب، بوتینا. (۱۳۹۰). ***بازاریابی گردشگری برای شهرها با تأکید بر برندگذاری و رویدادهای ویژه برای جذب گردشگران***. ترجمه پگاه ایزدی و همکاران. تهران: آذرخش.

۲۷. لباف‌خانیکی، رجبعلی، و هادی تقی‌زاده. (۱۳۸۲). ***راهنمای آثار تاریخی فرهنگی کلات***. مشهد: اداره کل میراث فرهنگی خراسان.

۲۸. مروی، محمدکاظم. (۱۳۶۴). ***عالم‌آرای نادری***. تصحیح محمدامین ریاحی. تهران: زوار.

۲۹. مجدالاسلام کرمانی، احمد. (۱۳۵۰). ***سفرنامه کلات***. اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.

۳۰. معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۲). ***سبک‌شناسی معماری ایرانی***. تهران: سیمای دانش.

۳۱. مقری، علی‌اصغر. (۱۳۵۹). ***بناهای تاریخی خراسان***. مشهد: اداره کل فرهنگ خراسان.

۳۲. مک‌گرِگُر، کلنل.سی.ام (۱۳۶۸). ***شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در ۱۸۷۵*** . ج۲. ترجمه اسدالله توکلی طبسی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

۳۳. موسوی‌پور، مرضیه. (۱۳۹۳). «بررسی نقش جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی در جذب و توسعه گردشگری شهرستان دره‌شهر». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. ایلام: مؤسسه آموزش عالی باختر.

۳۴. نظرآهاری، رضا، و همکاران. (۱۳۹۱). **اسناد تصویری کلات نادری و سرخس**. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

۳۵. وثوقی مطلق، رجبعلی. (۱۳۸۴). «کتیبه نادری و ارزش تاریخی آن». ***پژوهش نامه تاریخ***. (شماره ۱)، ۹۵- ۱۱۹.

۳۶. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۳). **پاژ**. مشهد: پاژ.

37. Ashworth, G. J; and Tunbridge, J. E. (2000). ***The Tourist, Historic City Respect & Prospect of managing the heritage city***. England: Pergamon.

38. Coccossis, Harry. (2016). ***Sustainable Development and Tourism: Opportunities and Threats to Cultural Heritage from Tourism***. London: Routledge.

39. Domsic, Lana (2013). "Cultural Heritage and Identity in The Contemporary Tourism Development". ***DIEM: Dubrovnik International Economic Meeting***. (vol 1). JEL classification: Z10, 1-10.

40. Lak, Azadeh. (2019). "Urban regeneration through heritage tourism: cultural policies and strategic management". ***Tourism and Cultural Change***. (vol 18), 386-403.

41. Sangchumnong, Aunkrisa; and Kozak, Metin. (2018). "Sustainable cultural heritage tourism at Ban Wangka Village, Thailand". ***Anatolia: An International Journal of Tourism and Hospitality Research***. (vol 29), 183- 193.

42. Unwto (United Nations World Tourism Organization). (2017). "definition of sustainable development of tourism". [accessed 2017 Oct 20].

43. Urosevic, Natasa. (2012). "Cultural Identity and Cultural Tourism– Between the Local and The Global (A Case Study of Pula, Croatia)". ***Singidunum Journal of Applied Sciences***. (vol 9), 67-76.